

منتشر میشود « دولت ایران بعد از همه استقنای
طبعها مایوس از تحصیل وجه در داخله شده دوباره
متوسل بانگلیس و روس شد » !!

بمقام تشکیل قوه مملکتی که می‌اقیم دریک آن
تمام ملت ایران را تعلیم نظامی میدهم زیر اسلحه
می‌آوریم و علما و تجار را تفنگ بدوش درمیدانها
مشق میدهم مدارس حربیه تشکیل میدهم توب
اختراع می‌کنیم تفنگ میرزیم رنگ و علائم مخصوص
سربازان ملی را با ملاحظات و دقایق تمام معین
میکنیم، ولی قشون روس و عثمانی است که از هر
سرحد که میخواهند داخل میشوند و در هر شهری
که مایل میشوند رحل اقامت می‌اندازند، راهها را
قطاع الطريق تصاحب می‌کند بامور بندرات و
گرفتن تفنگ قاچاق سرباز هندی رسیدگی میکند!
داراب میرزا یا چند نفر بی سر و پا زنجاب را
محاصره میکند عوض اینکه قشون ایران فی الفور
او را با اعوانش گرفته و بنید و بند بکشد و روس
بباید التماس استخلاص او را بکنند در دفع شر او
سفارت روس قزاق بزنجاب می‌فرستد! اگر اجحای
از دولتی به بنیم یا تجاوزی از آنها سبب بمقوق
خود مشاهده کنیم چون عالم لئالی است و در دفاع
خود و رفع تجاوزات دشمن غیر از هجوگوئی چیزی
نیاموخته ایم عوض اینکه ملت و دولت را جداً
تخریب و ترویج به تشکیل قوه نظامی نموده اب
به بنیم و بازو بکشائیم مردم را در اجرای این کار
بشوراییم و از علمای کرام حکم تهیه جهاد صادر
نمایم و باین سبب سربازی ملی را اجباری کنیم، بنا
می‌کنیم مقالات بر از هجو و فحش به متجاوز مینویسیم
و تمام مضامین اشعار یقما و انوری را در آن درج
می‌کنیم طرف مقابل را بیشتر بغضب آورده بیشتر
توسری حورده بیشتر فحش میدهم! اگر در خارجه
روزنامهها از ما عیب جوئی کنند خطایا و نواقص ما را
دگر نمایند بجای آنکه متنبه شده در صدد رفع نواقص
و معایب خود بر آئیم غضب مان شعله ور می‌شود
تسکین خود و رفع معایب خود را در تکذیب آنها
با زبانهای خش می‌بینیم! از لفظ متناز می‌شویم، و
بلفظ تلاقی میدنیم، باطهارات خشک و خالی و الفاظ
چرب و نرم و دم از ارادت و لاف یگانگی زدن
و اتحاد نمودن منتظریم تمام ملل و دول با ما دوست

و متحد و حایف بشوند و برای شما شمشیر بزنند!
اگر کسی محض ریشخند مان حرف مهمل بزند و
بیش نشان بدهد بهمان قانع و دلخوش می‌شویم، تمام
فصاید انوری و خاقانی را در تخریفش میخوانیم! با
از دایره لفظ بیرون نمی‌گذاریم، هیچ در بی حقیقت
گوئی و حقیقت جوئی نمی‌آئیم و جز لفظ نمی‌بینیم
و نمی‌جوئیم، اگر هزار اهانت و خفت در داخله و
خارجه بکشیم و به بنیم آن قدر متناز و متالم نمی‌شویم
که در روزنامه لفظی بر ضد خود به بنیم و در
انتباه خود چیزی بخوانیم! لفاظی ایران را باین
و برانی آورده و اولاد کیان و گردن کشان دورانیهای
قدیمه را ذلیل و اسیر بی سر و پایان نمود و بر
دولتان را بر آنها مسلط ساخت! لفاظی است که
دوکار است، اسم ملت و استقلال ایران را از روی
زمین محو نماید! ای ایرانیان ای کسایکه دعوی
وطن پرستی میکنید و در صدد استخلاص کعبی
وطن از غرقاب قسا هستید! بخدا فرصت آخری
خود را طی می‌کنید، نفس شرف ملی شما و استقلال
مملکت شما واقفخار و آزادی شما بشاره افتاده،
اگر علاج فوری و دم عیسوی بکار برید باید
وداع هر چیز بگوئید، و در سلك ملل یهود و
ارامه بر آئید، و در عالم متفرق شوید و هر روز
زیر بار حکم يك دولتی بروید!!

ای ایرانیان اگر چه مرض لفاظی شما را نمیکندارد
که بی « معنی و حقیقت » نصایح خیرخواهان دور
اندیش و حقیقت بین بپرید بیاید همه کنید، مردی
کنید، بر خود و اولاد خود رحم کنید، و از تفرین
نیا کانتان بترسید، حرکتی بخود بدهید و این مرض
مالیخواهیمای لفاظی را از خود موقتاً دور کنید
در بی حقیقت گوئی و حقیقت جوئی بر آئید!
شما که در تغییر مانند بوقلمون هر لحظه بشکلی در
می‌آئید (يك روز يك شخص را محیی ملت میخوانید
و روز دیگر همان شخص را مهلك ملت می‌شمارید
بدون هیچ علت صحیح بر عقیده اول و هیچ دلیل
بر عقیده ثانی، شما که اگر يك کابینه یا يك رئیس
پارلمان را شاه در سرکار برقرار می‌بینید خسته
می‌شوید و زمین و زمان را برای تغییر آنها بر هم
میزنید، و مثل بچه کوچولو از تازه بتازه خوششان
می‌آید) بیاید محض تفرین چندیم همه کنید دو

دایره حقیقت قدم بزنید و از الفاظ اعراض جوئید، از الفاظ
توئید، و بالفاظ دفاع نکنید و بالفاظ حفظ انتظام ننمایید،
(توه هم بی مزه نیست بچش)

(ای که هستی ز معاصی مزه جش)

بمخدا، وقع خیل باریک است، و همه چیزتان
در خطر و دشمنان از هر طرف شارا دوره کرده
کر تقسیم مملکت شما را بسته و دهان آز برای بلع
شما باز کرده اند، اوضاع و مقتضیات پلنگی منم
و کافر همه را در این کار متحد کرده! و دوست
و دشمن در یأس از ملت ایران متفق شده!
بلی اگر ایرانیان از لظای خسته نشوند و بلفاظی
همدیگر را بتوانند گول سازند دیگران خسته
میشوند، گول نمیخورند.

لا یغیر الله قوم حق یغیروا ما بانفسهم!

(امید همراهی از دولت انگلیس و انتظار)

(فایده از حریت طلبان ملت انگلیس)

نباید داشت

امروز درمان درد ایرانیان در خود ایرانیان
است، اگر بخود حرکتی داده مرض لفظی
را از خود دور کردند و از مشروطه و اتحاد -
حریت - وطن پرستی - بهمان لفظ قناعت نکرده
و به معنی آنها پی بردند و بگردار افتادند شاید بتوانند
خود را بساحل نجاتی برسانند، والا اگر این اوضاع
حالیه چندیم امتداد یابد که همه ملل ملوطی الفاظ
قشنگ حریت و اتحاد و وطن پرستی را ورد زبان
سکرده محمور شراب خود پرستی بوده در وصول
بمقام صدارت و لغت و لیس بجان و پوست یکدیگر
بیوقفتند و از حق اعراض و گول الفاظ و نیشهای
باز جاسوسان سفارتین را خورده در خرابی یکدیگر
درآیند و بدیگران فرصت بدهند که چنگال آهنین
خود را در بدن علیل وطن مستحکم نمایند باید
چهار تکبیر بر استقلال ملت ایران زد! امروز
ایران امید هیچ همراهی از دولت انگلیس نمیتواند
داشته باشد، دولت انگلیس اتحاد روس و فرانس
را در بقای حیوة ملی خود لابد مته میشارد و
روس را از خود برای ایران نخواهد رنجانید و
آنکمی دولت انگلیس بخیمال خویش آرزوی دیرین
خود را که عدم تجاوز روس بجنوب ایران باشد
امروز بعمل آورده (اگر چه بقیدم طالب بیلسیون)

(بخلاف سرچارلز هاردنک اول قدسی است که
دولت انگلیس در خرابی ایران و خطر هندوستان
برداشته!) دیگر دولت انگلیس چه ناخوشی دارد
که بیاید برای شال ایران با روس دشمنی کند؟
از یکطرف انگلیس با این وضعی که امروز
در ایران می بیند که در میان بانزده ملیان نفس
هفت نفر بهم نمی رسد که دست بدست داده متحداً
و متفقاً وطن خود را از گرداب فنا خلاص کند
از آتیه این قوم مایوس است، و از طرف دیگر
جمی هم هستند که وجود یک یا دو دولت قوی
مشروطه را در مشرق منافی با مصالح دولت انگلیس
که آنها رعایای مسلمان دارد می دانند! از طرف
دیگر (سرچارلز هاردنک) که سابقاً ژانرژدر در
طهران بود و چهار سال قبل سفیر انگلیس در
پترسبرگ و امروز مدیر وزارت خارجه انگلیس
است که تمام امور با اشاره او می گذرد از دوستان
و هواخواهان بزرگ روس است، در بین سفارتش
اساس قرار داد را گذاشت و در ایام مدیریتش
باتمام آورد، بشرقیان کلاً به ایرانیان خصوصاً بنظر
حقارت نگریسته آنها را جزء حشرات الارض می
شمارد، در اسکاوت هواخواهان ایران همیشه کوشش
دارد و مدیر روزنامهها را مخصوصاً دیده نمی گذارد
کله بر ضد روس بنویسند یا از اقدامات و حیثیته
روسها چیزی بقلم آرند، این ایام شهرت دارد که
فرمانفرمای هند میخواستند به شود خوف آن است که
بعد از رفتن هند از کثرت عشق که برسها دارد آنها
را از ایران بکلکته برده ایران را آسوده سازد!
اگر در میان انگلیسها جمعی هم بودند که اقدامات
در همراهی با مشروطه خواهان ایران می کردند
از مشاهده اینکه ایرانیان در عرض این یکسال یک
قدم در راه ترقی برداشته و یا مداره سکر دار
نگذاشته اند تمام اوقات را بلفظی و نفس پرستی
و مخاصمه با یکدیگر صرف کرده و بنیه خود غرضی
را بطوری در گوشهای خود فرو کرده اند که
فریاد التماس و نصیحت هیچ احدی بساخ گوش
آنها نمیرسد، این فرقه هم دارند از ایرانیان و از
پیشرفت حالشان مایوس میشوند! گذشته از این
بتواریخ اگر رجوع کنیم می بینیم همیشه یک فرقه
غیر مستانی در انگلستان بوده که مخالفت با مسک

دولت خود کرده و با دشمنان دولت انگلیس اظهار همدردی و اتساق میکردند، و هیاهوی راه می انداختند ! چنانکه در عهد ناپلیون هم همچو فرقه بود با اینکه تمام دولت و ملت دشمن خون او بودند این جماعت طرفداری از ناپلیون می کردند ! و ناپلیون در اواخر که ضعف و بیچارگی بحالتش راه یافت خیلی تلاش کرد که بواسطه این فرقه در انگلستان آشوبی پندازد و کار را بروفق مرام خود کند در تخیله مصر هنوز پیروان (مستر گلاستون) موجود مریدانشان بلند است در عهد جنگ انگلیس باطراسواله هم چنین فرقه بودند که طرفداری از طرانسوالیه می کردند و در همان جنبی که انگلیسان در عزای کشته های خود در آفریک جنوبی بودند این فرقه وقتی که اسمی از طرانسوالیه و از شجاعت آنها دکری میشد هورا می کشیدند ! ولی در هیچوقت دیده نشده که این فرقه کاری از پیش برده باشند، هماره دولت کار خود را بمقتضای پلنیک خویش کرده و این مشتی مردم يك هیاهوی کرده اند دولت هم هیچوقت بر آنها سخت نگرفته یکی بملاحظه آزادی مملکت دیگر اینکه بودن این فرقه را خالی از فایده ملی مسمور نمی کردند زیرا که بواسطه وجود همچو فرقه ملت مقابل را قطع امید از انگلیس نمی شد، و در موقع مشاهده غلبه و قدرت در طرف مقابل احتمال میرفت که پیش رفت کار آنها حل فرقه از ملت انگلیس شود، و بواسطه آن فرقه بمقام صلح آید یا اگر مغلوب شود این فرقه را باعث قلم دهد !

(مسئولیت عثمانی در اضمحلال دول اسلام)

اما عثمانی، دولت عثمانی هم اولاً مثل فرقه هوا خواهان ایران انگلیس از عدم کردار ایرانیان از پیشرفت امور ایران مایوس شده، نایباً می بینند اگر حمایت بایران بکنند صرف محاصمت و ضدیت انگلیس و روس میشود و گذشته از اینها در تقسیم ایران کوه نظران عثمانی امید بهره می برند، کرمانشاه و کردستان و ارومی را حصه خود منظور میدارند، در اوایل مشروطیت از عثمانی نسبت بایران اندک اظهار همراهی دیده می شد ولی بعد از تعیین رفعت پاشا بوزارت خارجه بکلی ورق برگشت، و روس ها بواسطه عیال رفعت پاشا که روسی است و صاحب

تسلط بر شوهر خود، رفعت پاشا را آلت پیشرفت منظور خود کرده اند، و خود دولت پاشا شخص ساده و ترك بخود مغروری است، و در تغییر عقیده و حالتش برای دولت روس کافی است که دست به پشتش بکشد تا چه رسد که نود هیاتش را هم بکار ببرد، آمدن پادشاه بلغار و صربستان باسلامبول باشاره روس رفعت پاشا را مدهوش دوستی روس کرد و از آن طرف انگلیس و روس بعنای همچو فیهامه اند که اگر بخواند ما آنها در ایران ضدیت نباید آنها هم دومیثله (کریت) با او معاندت خوانند کرد، ولی عثمانی دارد در پلنیک خارجه لحاظ و خطا می رود وقتی مقننه خواهد شد که يك باخته و اسیر دام روس شده، بعد از جنگ آخری باغمانی تشیل دول متحده بالکانی که همه از جنس (اسلاد) اند و داشتن آنها را در تحت حمایت خود از تصمیات و پلنیک های مکتوبه روس است و از آنوقت همیشه در این طریق کار کرده، و قبل از شورش عثمانی که به همراهی انگلیس کینی عالی و ژاندرمری برای مقدونیه معین کرد، چیزی بر حصول مقصودش نمانده بود که تمام بالکان را مستقل و از چسک عثمانی بیرون بیاورد، ولی تدبیرش با تدبیر موافق نیامد و صرفه پلنیک را در سکوت و ملاطنت با عثمانی می بیند تا وقت و موقع برسد و هر آلت موقع بدستش آمد و عثمانی را در نقطه گرفتار دید بیرون کردن عثمانی را از (بالکان) بواسطه بلغار بعمل خواهد آورد، پادشاه بلغار که همته بود از اسلامبول رجعت کرده و روزنامه های مصور اروپا بر از تصویر پذیرائی های شایان عثمانی بود بمجرد ایسحه عثمانی را در آلبانی با آرنودها مشغول و اندک پیشرفتی در امور آرنودها دید و از طرف دیگر روزنامه های اروپا استخلاص باسانی برای عثمانی از این جنگ نمیدیدند بلکه این مسئله را مایه تشویش اعراب بشورس می شمردند پادشاه بلغار بیکان ایسکه وقت و موقع میرسد در ملاقات وکیل (روتر) کشته بود که اگر اعتشاش آلبانی امتداد یابد و موجب نا امنی در بالکان بشود بلغار میتواند بطور بیطرفی نگاه کند ! و این خبر در تمام روزنامه های اروپا در دوم (می) گذشته انتشار یافت !

در مقابل خاری صحنه روس در پیچیدگی بلغاری

درواه عثمانی نهاده که هرطرف که عثمانی میخواهد بجنبد دامش را میگیرد. هیچ پلتیکی برای عثمانی بهتر از مبارزه بنقی نیست، که ایران را خار راه روس قرار بدمد که هر وقت روس بخواهد با اتفاق بلغار کار را بر عثمانی تنگ بگیرد خار ایران بدامن پشت روس بچسبد مانع از پیشرفت مقصودش گردد. درست است ایران امروز قوه ندارد ولی باندک توحی ایران میتواند در عرض یکسال صاحب صد هزار قشون بشود، و بعد از آنکه اندک قوای قوت خود را پیش صاحب چند میتواند بواسطه بر رری قشون ملی به سهولت بیك ملیون برسد. نامار در کمال ترقی که بحالتش راه یافته باش از چهار ملیون جمعیت ندارد. ایران ما همه خراب بانزده مایان جمعیت دارد. و مرایات ایران تقریباً بدر تمام مدارس است و نروتهای عاطل و مایل ماند اش صد هزار اوست. در ارتفاع از همچو ملک وسیعی بر از نروتهای طبیعی و طوایف خنکی اندک هم و صرف وقت لارم است و بس بنا به مثل معروف شهر هر قدر مرده باشد پوستش باریک خری است. این دلیل فرصتها در گذر است و همیشه برای عثمانی بخواهد ماند هر که ما بودن تور کرم با بیزد بد از فقدان از تاسف پشت دست باید بکرد

(شیریه مالی انگلیس و روس بسر عثمانی)

(و اسندالات مصحک آنها)

اما در مسئله کربت انرا آن مواعید عرقونی و شیریه مالیهای دولت روس و انگلیس دارد بحدود عثمانیها هم معنوم میشود، اهل کربت نه فقط قسم بر عیبتی و اطاعت پادشاه یونان خوردند و باسم او بکار در کبیتی ملی کربت نشستند، و این مسئله را تمام دول اعلام کردند. بلکه در کبیتی ملی اعصای مسلمان را که امتناع از خوردن چنین قسمی کردند اجازه نشستن ندادند، و بعض از آنها که برتست نامه بر این اقدام روی میزد در کبیتی گذاشتند اعضای کبیتی برتست نامه را پاره کرده و با مشت دهنهای عضو مسلمانان را شکستند و دول هیچ نگفتند! وقت که عثمانی بدول اربانه که متکفل حفظ انتظام کربت و حفظ عظمت عثمانی هستند برتست کرد، جواب دادند که در مسئله قسم بر عیبتی پادشاه یونان ما

هیچ نمی توانیم بگوئیم زیرا که این مسئله سابقه دارد. پارسا سلام ایرکار را کرده بودند و در بیرون کردن مسلمانان از اهل کبیتی خواست می کنیم که اعضای مسلمان را اجازه بدهند بدون قسم بر عیبتی پادشاه یونان خوردن به کبیتی راه بدهند. از همین جواب معلوم میشود که دولتیر روس و انگلیس چه قدر در جاده درستی قدم میزنند و در سر بیچیدن عثمانی و حمایت باطل بکربت بجه دلایل اهووت من بیت الضکبوت متوسل میشوند. با کمال بی آزاری خلاف کاری سال گذشته را حق برای آنها تکرار میدهند (مثل اینکه اگر شخصی مرتکب خلاف قانون بشود یکبار باید همیشه حق تکرار آن خلاف را داشته باشد برای آنکه سابقه هم رسانده) و این قسم توهینات و سدمات بوکلای مسلمان را کان لم یکن انگاشته عثمانی را باین نسلی میدهند که بعد ها از اهل کربت اجازه می گیرند که مسلمانان را بدون قسم به کبیتی راه دهند و حال آنکه اگر همچو اهالی بر یک نفر اروپائی در یک مملکت مسلمان بپوفند خاک آن ملک را به توره می کشند، حال اگر عثمانی از مشاهده این قسم تفاق و خصومتهای باطنی دول متبته نشده خود را گول ساخته و در صد تاسیس اتحاد مسلمین و دول اسلام که فقط جاره بقای دول و ملل اسلام است بر نیاید در محو و ویرانی مملکت عثمانی و دول اسلامی کوشیده است - روس و انگلیس که مستملکات بزرگ شرق دارند و در تحت تصرف آوردن تمام مشرق دو سه مملکت اسلام را خار راه خود می شمارند تمام حواس خود را در این جمع نموده اند که مثل آن باغبان که با سید و ملا و تاجر رفتار کرد، دول اسلامی را از یکدیگر جدا کرده کار آنها را یک یک بسازند، و همیشه عثمانی که از همه قوی تر است تنها ماند کار او را هم بفراغ بال بی دغدغه بسازند، این است که اتصالاً پشت دولت عثمانی دست می کنند و او را جزو دول اروپا و از خود شمرده و از همراهی با سایر دول اسلام سر زتنش و ملامتش می کنند. هر قدر عثمانی و ایران و افغان زود تر محض نفع و بقای یکدیگر و حفظ بیضه اسلام طرح اساس اتحاد دفاعیه ثلاثی بریزند دیر بنجیده اند.

(البقاء للقوی)

از توضیحی که از اوضاع بلنیک و خیالات همسایگان داده شده مشهود و معلوم میشود که امروز برای ایران امید مساعدتی از هیچیک نیست ایران باید آنچه را که از بیگانه‌تئنا دارد از خود حاصل نماید ، خلعت زنان را از خود دور جامه مردی آبا و اجداد خود را دوباره بر تن کرده جان در کف در مقام حفظ استقلال ملکی و نام ملی و حفظ دین محمدی برآید ، لئالی و خود گول سازی را کنار گذاشته با مدبره کردار بگذارد و فعلاً چشم از هر چیز پوشیده دو مسئله را وجه همت نماید یکی ایجاد قوه نظامی ، دیگری اصلاح امور مالیه ، که بدون اصلاح این دو اداره هر چه بکند باد بهار کوفت است ؛ فینلند امروز در علم و تمدن و ادارات منظم دم از همسری با همه ممالک متقدمه اروپا میزند چون قوه جنکی ندارد نتیجه اش این است که می بینیم تمام حقوق حکومتی خود حق آزادی مطبوعات و استجاعات را دومی روس از او با وجود پروتسهای پارلاها و برویسر های عالم با یک وضع طلبانه که دل عالی را میخراشد میگیرد ، و هیچ کاری نمیتواند نماید !! و از آن طرف افغان که امروز هیچ چیز جز قوه جنکی ندارد ، روس و انگلیس را رویم بچیزی نمیشارد ، پس ملت ایران ولو شها گرسنه بخوابند باید صد و پنجاه هزار قشوف مسلح مشق دیده زیر اسلحه داشته باشند ، با تمام ملروماتش ، از قبیل مدارس نظامی ، کارخانه های توپ و فشک سازی و غیره و در آوردن مستشار برای این دو اداره محاطه نمایند اداره کرا با سایر ادارات بسنجند ، کتر استدلال در لزوم وعدم لزوم مستشار های خارجه نمایند ، در همین ضمن هم که دولت و ملت ایران بانجام این دو اقدام مشغول است تمهید ترتیب قشوف ملی را باید بریزد و حکم از علمای محبت بر وجوب تهیه جهاد صادر کرده تمام جوانان ایران را از هر طبقه که باشد بر تزیات معلومه که در تمام ممالک اروپا مجری است بمشق نظامی و ادار (و آنها برای دولت و ملت چندان خرجی نخواهد داشت) تا هر وقت که لازم شد دو هر نقطه از مملکت که بخواند یک کرور جوانان رشید مشق دیده بیدان سر افشای بریزد ؛ و این اقدام نه

فقط طریق بقای استقلال و شرف ملی ایران است بلکه فقط طریق بقای صلح و دوستی ایران با همسایگان و همسایگان با یکدیگر است ؛ مثل معروف است اگر صلح میخواهی آماده جنگ باش و آتی که همسایگان دیدند که ایران حلوی دهن شیرین کنی نیست و بلعش راحت الحلقوم نه ، هم خود از صرافت بلع ایران می افتند و هم از بلع دیگران مطمئن میشوند و در تصرف ایران بر یکدیگر سبقت نمی جویند و همه برای هر قسم همراهی و دوستی با ایران حاضر میشوند ، خود روس اول دولتی میشود که لاف محبت زند ، و الا وقتی که دیدند ایران را قدرت نیست و کارش منصرف استغناء و نه به من ضمیم شده و هر آن محتمل است یکی از همسایگان او را فرو برد بالطبع دول همسایه تلاش در تقدم بلعیدن و خرابی استقلال ایران خواهند کرد ؛ در این صورت اگر ایران را کله و شکایت است باید از خود باشد نه از دیگری ، این قانون طبیعی است جز آنکه تمام سندگان و افراد شامل است مللی هم شامل است ، البقاء للقوی

امرور مقتضای وقت چیست ؟

(حدیث و فعالیت)

مقتضای وقت شناسی علم بسیار عالی و مهمی است که از دایره احاطه خیلی ار عقول خارج است اگر چه خیلی ها کاتب میکنند که با داشتن بعضی معلومات مقتضای وقت را محو می شناسند از نتیجه در تحصیل ترقیبات مساسکی اتخاذ کرده مشغول کار میشوند و حال آنکه موصوم علیه السلام در مقام بیان صفات عالم یا مؤمن میفرماید (عارفاً باهل زمانه) وجه دلالت آنکه بدین است که مراد ازین عرفان شناسائی اینست که فلان شخص اسمش چیست و پسر کیست بیست بلکه مراد شناختن اطوار خاصه طبیعت است که در ضمن افراد خارجه تحقق پیدا میکند که ازین شناسائی و عرفان مقتضای وقت را بخوبی میتوان معلوم کرد که چیست و کدام است و این گرامی صفت را در این وجود یگانه قید میفرماید معلوم میشود که صفت خاصه است و عمومیت ندارد حالا به بنیم برای تحصیل این علم عالی چه مقدماتی لازم داریم ، بقیده با اول مقدمه

شنا. این اطوار ادوار طبیعت میباشد، و اینکه هر دوری از طبیعت اقتضای چه طور از حرکت و سکون را دارد، باینجه که انسان وقتیکه دارای اینعلم بود از پیش آمد های زمانه مضطرب و پریشان نمیشود خود را گم نمیکند تکلیف وقت را بخوبی منحصر کرده با نهایت حزم و استقامت در دور خویش طریق ترقی و استیلای خود را طی نموده بر سر بر کالات متکی خواهد شد، مقدمه دوم شناسائی طبایع افراد اهل زمان میباشد که آیا بچه ترتیب و چه اسلوب میباید اعلی این زمان را بشماره ترقی سوق نموده آنها را بملت غائی خودشان رسانید، فعلاً در نظرم نیست که فرموده اولیا یا فرمایش حکاست که فرزندان خود را مجبور نکنید که باخلاق و عادات خودتان تربیت شوند، چه که آنها کسانی هستند که برای زمان دیگری خلق شده اند یعنی باچار باید باخلاق متداوله آن زمان تربیت شده زندگانی نمایند، اگر چنانچه طوایفی که امروز مقتضای زمان را باختلاف معنی نموده و هر کدام مسلک علیحده اتخاذ کرده اند در ایندو مقدمه که عرض شد غور و تامل فرمایند اختلاف مسلک از میانه برخواسته یکدل و یک خیال و یکقدم بسوی تحصیل ترقی و سعادت وطن خواهند کوشید، بی اختلاف مسلک در همه جای عالم است و لکن راه ترقی بر حسب واقع معقول نیست بلکه دو راه یا سه راه باشد، مثلاً یا مسلک (لیبرال) یا مسلک (کنسرویتو) یا آنچه ثالثی که از تبادل و تصادم افکار طرفین پیدا میشود راه ترقی است علی ایسے حال راه واقعی ترقی یکی خواهد بود و اول وظیفه شخص خیر خواه وطن پرست آنست که از روی بیفرضی تحقیق و تامل کرده راه را مشخص فرموده سپس قدم در مراحل سیر بگذارد، اگر همه کارکنان یک مملکت با اختدماتی که عرض شد داخل کار بشود اختلاف مسلک از میانه خواهد رفت آنوقت متفقاً مقتضای وقت را نااخته میدانند که امروز ترقی مملکت موقوف است بر اتخاذ فلان مسلک و متجداً در آنخط سیر خواهند نمود

امروز در مملکت ایران دو مسلک پیدا شد و در بران مملکت سرهم رفته دارای ایندو مسلک میباشند و هر کدام یارقی مخصوص دارند و بد بختانه بواسطه بی علمی

اتباع آنها منجر بنفاق داخلی شده اسباب تعطیل ترفیات ایرانیان شده اند (با اینکه مقصود هر دو ترقی و استقلال ایران میباشد)

(کنسرویتو) میگوید امروز حفظ استقلال و ترقی ایران موقوف است بر طرفداری صاحبان نفوذ قدیم از قبیل شاهزادگان و امرا و حکام که میباید آنها را مصدر امور قرار داده، در سایه نفوذ شخصی آنها ممالک مملکت را اصلاح کرد و در صورت سهو و خطا یا تعهد آنها در خلاف یکجاده قانون جریده نگاران و سایر افراد ملت نباید جنادات دنبال کنند و مجازات نخواهند و خوبست چنم بیوشند و مقتضای وقت همین است، و الا اگر بنا باشد بدون ملاحظه مقتضای وقت حرکت کنیم یعنی اگر جداً جلو حرکات خلاف قانونی فلان وزیر یا بهمان امیر را بگیریم یا جریده نگاران ما به آزادی در این موضوع بحث قرار نموده ماده حرکات اینگونه اشخاص را نقادی نمایند علت انقلاب شده سبب بر بادی استقلال وطن عزیز خواهد شد، لذا مخالف این مسلک را انقلابی و خاین نامیده بر ضد او حرکت میکنند و یارقی اینها (چون تنبلی و مرعوبیت بر وجود ماها غالب است) این مسلک را تحسین نموده تقویت میکنند (لیبرال) میگوید بعد از بمباردات مجلس مقدس که اساس سعادت ایرانیان بر باد رفت آیا اگر منتظر اقدامات صاحبان نفوذ مملکت میشدیم و خود ملت ار از غیرت و اظهار حجت نمیکرد بار دیگر روی سعادت و آزادی میدیدیم ؟ نه - اگر چنانچه شورش مقدس تبریز و استقامت اهالی آنخاک غیرت انگیز نبود پارلمان ما باین خوبی و این زودی تشکیل میشد ؟ نه - آیا اگر استقامت یک سواران بختیاری و مجاهدین گیلان نبود حالا ما دارای حریت بودیم ؟ اصاف مد - فلان حاکم که بجاه سال باصول استبدادی بشو و نما کرده با چه چیز تغییر وضع میدهد، با موعظه حسنه یا با ترس از مجازات آیا گرگ از شنیدن اینکه این گوسفند مال یتیم است و از سروت دور است او را پاره کنی بچاره یتیم از گرسنگی خواهد مرد، از پاره کردن گوسفند که فطری عمومی باشد قطع نظر خواهد کرد ؟ نه - هرگز منتفع نخواهد شد و نصیحت خیر خواهانه برادر خواهد رفت

از بدو عالم تاکنون در کدام مملکت قانونها با ملاحظه و مواعظ مجری شده؟ مشهور است که قانون با سر نیزه مجرا میشود. حالا خواهید فرمود که محدود کردن فلان صاحب نفودی که سادسا بخود سری حرکت کرده و مصدر امور قرار دادن اشخاص دیگر از سایر طبقات موجب اعتشاش مملکت میشود و بانی استعدادی فعلی ایران منافات دارد، پس طوری باید سلوک کرد که بزلف یار بر نخورد تا به بنیم چه میشود. اولاً عرض میکنم

(رف آشفته او موجب جمعیت ماست)
(چون جنس است پس آشفته ترش باید کرد)

لفظ استبداد رونق مملکت را بر باد نداد همین ملاحظه است بود که دود از دودمان ما بر آورد ثبات می آید که در سنه ۱۳۲۴ اقدام در تغییر حکومت مستبده بمشروطه می فرمودیم. بجهت آنکه این تغییر زلف خیلی از یارها بر می خورد و خلاف مقصای آبرفت بود، چه که تبدیل حکومت شخصی بحکومت می معانی غیر از اعدام نفوذ شخصی و ایجاد نفوذ می نداشت. با ضرورت معلوم است مملکتی که بگرد کاکل فلان شخص بگردد حکومت و اقتدار آن مملکت را ملی نمیتوان گنت یا بعد از بیاردمان شمس مقدس و جاهوش شدت حرارت عاب اعالی ایران میبایست زحمت نکشید و آن اقداماتی که شد می شد. چه که برخلاف مقتضای آبرفت و محاف میل صاحبان نفوذ بود و اسباب املاک میشد. چنانچه شد، و همه کی دیدیم، که همان سلاب سعادت کم شده ایران را پیدا کرد.

حالا ما میخواهیم که اشخاص عالم قانون پرست (از هر طیفه باشد) مصدر امور باشند و قانون در همه حی مملکت مالتساوی مجری و فرما فرما بوده همه افراد است بحکم قانون متساوی الحقوق باشند، زلف بر بر می خورد من چکنم، قربان زلف یار دل آزار بوم. اگر یار من نمیداند

(همه ادراکات را آرام می)

(وقت میدان است وقت جام می)

من یار مابن نافر می نمیکشیم وقتی الواقع کسی که بعد از اینهمه هیاهو ندانسته باشد که امروز دیگر وقت خود سری و خود رانی نیست و در مملکت قانونی نفوذ شخصی غلط است بدردیاری نمیکشود اگر میدانند

و تمسک میکنند. باید فوراً باجدیت تمام با شانه آهنین زلف پریشان او را صورت جمعیت داده اسباب حفظ تماشاگران را فراهم نمود. والا یاری که میخواهد با هر تار مویش هزار بلکه هزاران اسیر داشته باشد کی بزلف خوش دست از شکار بر میدارد دور دور تجدد است طبایع افراد منقلب شده عالم عالم دیگری شده، آدم دیگری باید شد، (عالی از نو بپاید ساخت واز نو آدمی) اوضاع کنه را در اداره کردن مملکت باید ازین برداشته بجای آب اساس ترقی جدید بنا نهاد، و این مقصود مقدس حاصل میشود مگر ترك مرعوبیت و اختیار فمالیه. مدارا یعنی چه خیلی از مناسد امروزه اثر مدارا میباشد همان روز که گنتیم مملکت ما قانونی و مدارا می حکومت ملی هستیم تماماً باید قوه مجریه قانونی باشیم، منتها هر کسی بشکلی فلان مانع است بدون ملاحظه باید اربابان برداشت، چرا بجهت اینکه دور قانون است و کسی از حکم قانون مستثنا نمیشود. اگر کسی مستثنا شد قانون از قانونیت خواهد افتاد، مدارائی که در ماده فلان نادان یا بهمان مانع تصور می شود عن استثنای از قانون است، امروز مقتضای وقت بعقیده بنده نظر تجدد اطوار طبیعت ترك مرعوبیت و سرعت سیر در جاده ترقی بر حسب اصول جدیده میباشد، و روزیکه موافق داخلی و خارجی این مسلك را در ملت ایران نافذ دید همان روز یا خاک پاك ایران را وداع نموده یا مالمیت را بدرود خواهند نمود. امروز اول کارست هر بنائی که از اول و شالوده صحیح گذاشته شد طبعاً تا آخر همان طور بالا خواهد رفت، برعکس اگر بر اساس نا صحیح بنا شود گذشته ازینکه با آخر نمیرسد تضییع اوقات کار کثافت خواهد شد، جدیت و فطامیت کارکنان بدو اسلام، اسلام را در اقطار عالم منتشر ساخت، اگر میخواهند احدی را از قانون مستثنا نمایند هرگز اینطور کار از پیش نشان معرفت و بدرجه استعلا نمیرسیند.

ما که امروز میخواهیم امنیت کامله را در تمام زوایای مملکت ساری کنیم باید اشخاص عالم وطن پرست حقیقی (از هر طیفه میخواهد باشد) مصدر امور قرار داد و از آنها کار نخواهیم و نباید یا فلان مانع یا فلان نادان ماشاء و مدارا

نمود ، نادان است باید از کار انداخت، مانع است
باید از میان برداشت ، یا مراقبین داخله و خارجه
حولت و ملت ایران را بسمت جدیت و فسادیت
بشناسند، وقتیکه باین سمت شناخته شدیم جوششهای
خامد مملکت طبعاً آرام خواهد گرفت، و اگر بر
قرض محال صدائی از جانی بر آید بقوه تلگراف
تنها بدون سوق عسکر و تحمل مخارج در صورت روز
جدیت توانیم ساکت نمود، تصور فرمائید که اگر انتخاب
مصادراهور از طبقات متوسط بشود کار از پیش بیرون
و حکماً باید وزیر فلان صاحب نفوذ و حاکم باید فلان
سفالت باشد تا مملکت بخوبی اداره شود، چه که در
ممالک خارجه این توهم را باطل نموده و برخلاف
آن متنی کرده ، آسان خراب نشده بلکه ترقیات
عجیرالمقول کرده اند.

امروز امورات اعتبارانه منشأ اثر نیست ،
و اگر نتوانیم خود را باینگونه تعاقب معرفت
کنیم نباید مطلق شد ~~که~~ با این توهمات و این
استعداد حایه نمیتوان جلو تجاوزات داخلی و خارجی
را گرفت ، منتها رحیم خان می رود ، داراب میرزا
می آید، پس معلوم شد که امروز مقتضای وقت ترک
مرعوبیت و تعاقب در اجرای قانون است، بالتساوی
مدون استثناء تعلیم و مواظف حنه در جزء کار
لازم است ، نه اینکه کار منحصر بان باشد ، بلکه
میتوانیم بگوئیم که در فسادیت قانون بهتر صورت
میکرد (کونوا دعاة للناس بانماالکم دون اقوالکم)
امروز هزار لایحه نوشتن هزار قانون بی الدول
گشتن هزار ناطق فصیح مهیا کردن برای استقرار
نظم و آسایش کار یک تفنگ و یک اقدام سریع
جدی نمیکند ، باید افکار صحیحه سلیمه قانون نوشت ،
باید قانون را بتوسط احرار با حرارت به موقع
اجرا گذاشت ، باید استثناء و ملاحظه را فراموش
کرد ، امروز اگر در اجرای قانون صد نفر کشته
شود بیشک فردا با این مسامحات هزار نفر کشته
خواهد شد ، عجب ایجاب است که میگویند عجب نکند ،
همینکه قانون قوت گرفت معایب رفع خواهد شد ،
با این مسامحات قانون تاقیامت قوت نخواهد گرفت ؛
(همین مگو فردا که فردا ها گذاشت)

خلاصه کلام آنکه امروز مقتضای وقت جدیت
و فعالیت است ، اگر ایلهها رواج گرفتند استقلال

ایران برقرار و مستدام خواهد بود و الا
(دست من و دامنت بخور غم)
(کین باد سرا بود ترا هم)

میرزا سید محمد یوسف زاده همدانی

حالت کمونی ایران

اسان هرچه در پیش آمد امورات دولت جدید
تفکر مینماید به جز حیرانی و سرگردانی چیزی
نمی بیند ، چرا بجهت اینکه دستهای خارجی در کایه
امورات اداره جات جاری و هر آفت چنان بیخ
میزند ~~که~~ دولت و ملت دست و پای خود را کم
میکند ، و تا زمانیکه قشون خارجه از ایران بیرون
مستشارهای با علم در دوا برقرار نگردد همین
آتش و کایه و بلکه بدتر از بدتر خواهد شد ، از
یکطرف دخالت های جبارانه همسایگان دوست نما و
از طرف دیگر دو تیره شدن اوایاه امور و وکلاء
جمهور چرخهای دوا بر را از گردش بازگذاشته
همه حامی طرفدار فرقه اعتدالیون و قومی طرفدار
دسته انسلایون اند ، هرگاه درست ملاحظه شود
و الواقع کشتی استقلال ایران در حالت عرق و
آلود شدن است

از قراریکه در حراید مینویسند گویا مابین
سرداران قانع و کابینه وزراء مجلس مقدس شورای
ملی صائی نیست ، و روز دامن عصرعلت پیش ترقی
امورات دوق و ملتی را از این مطلب میداند ،
حراید نگاران داخلی و خارجی هم متصل دارند از
اعتدالیون و انسلایون بحث و گفتگو مینمایند ، دیگر
به ملت بیچاره علاج درد را نشان میدهند ، گویا
انتظار دارند که ورشته های آسمان به زمین نازل
گشته با ادارجات نظامی بدهند ایهم امری است محال
پس باید غرض را به کنسار گذاشت ، با زبان
حوش و نرم علاج درد را به ملت نشان بدهند و
مردم را به کینه اتحاد و اتفاق دعوت نمایند و بعموم
اهالی بفهمنند که عداوت و اتفاق باعث ویرانی و
اضمحلال ملک و ملت است

افسوس که هیچیک از اوایای دولت و وکلای
ملت در صد اصلاحات نبوده و اقداماتی که راجع
به حیر نامه بوده باشد مینمایند ، و هر منروطه خواهی
و مجاهد بانی که در ظاهر خود را حامی مشروطه و
مجلس مقدس میداند بهر طور که ممکن شود به جان

رعیت بیچاره افتاده و حق الامکان در اخذ پول بی پیر مضایقه ندارند. هرگاه بعضی مشروطه خواهان ظاهری از کارهای خود سرانه خودشان دست نه کشند و در همه ایالات و ولایات اخذ عطا و رشوه متروک نشود مدن نخواهد گذشت که اهالی به تنگ آمده از مشروطه روگردان خواهند شد. چنانچه زمزمه این مطلب در بعضی جاها دیده میشود

اداره عدلیه کرمان مدتی است دایر و افتتاح و اعضاء اداره را هم بدخواه خودشان منتخب نموده اند و تا امروز کاری که قابل ذکر باشد از عدلیه ظهور نه نموده است

بنده خبر دارم دو فقره عملی که قریب دو ماه است به عدلیه رجوع شده و رسیده کی میانند در این مدت بیچاره صاحبان عمل از بسکه راه عدلیه را بچوده اند خسته شده و نمیدانند عمل خودشان در آخر چطور ختم خواهد شد. چنانچه یکی از صاحبان عمل به رئیس عدلیه زبانه اظهار نموده است «هرگاه نمیتوانید عمل ما را انجام بدهید بگوئید ما بر کار خود برویم» باز به بیچاره جواب صریح نداده اند.

اولیاء امور را لازم است مفتشین سری و علنی بر ادارات بکارند و اخذ رشوه را بهر طور که میدانند منع و مجازات سختی قرار دهند. بلکه اهالی ایران که تازه از خواب غفلت چندین ساله بیدار شده اند زیاد از این در فشار ظلم مشروطه خواهان موهومی نماند و جداً در پی اصلاحات برآیند نقداً دست محمد علی میرزاها و امیر بهادرها و سعدالدولهها در داخله ایران مشغول کار کردن و عوام را فریب دادن است. در آخر ترس در اینجا است که زحمات و فداکاریهای حضرت سیداراعظم و حضرت سردار اسعد و حضرت سردار و سالار ملی به هدر برود، و ملت مظلوم باز مثل سابق گرفتار بجهت ظلم استبدادیات شود آنوقت باید به مشروطه ایران فایحه خواند

هرچندیکه ایرانیان بی به حقوق ملی خود برده و این مشروطه را با خون هزاران جوانان بازنین بدست آورده و قدرش را میدانند، ولی هرگاه اتحاد و اتفاق نباشد و غرضی در کار باشد این طور مشروطه مشروطه صحیحی و دارای کنستی توسیون نخواهد شد

(ازین بیشتر گفتن نشاید)

(حبیب الله یوسف زاده تبریزی)

نابش معارف در کازرون

هرچند در این دوره بحراب انقلابی مملکت اشراو کازرون پایه شرارت و وحشیگری و بربریت را بجائی نهادند که دست هیچیک از وحشیان عالم بدان نرسیده و نخواهد رسید، در این دو سه سال که مردم ایران پرتو انوار مدنیت ره یافته و حقوق مشروعه خود را از دولت غاصبه و سلطنت مستبدانه احقاق مینمودند و شجیمان شال مملکت پروانه وار برای وصول مشعل عدالت و مشروطیت مال و جان بی بدیل خود را فدا کرده تا دیو مرید استبداد را با یک عالم تنگ و عار از سرحد مملکت اسلامی بیرون نموده و در همکیشان خویش جای دادند.

این برق ورعد عدالت و مشروطیت که در افق ایران خرق حجب نمود محوطه کازرون از پرتو ظلمت نفاق فارس و خود غرضی رؤساء و متنفذین داخل تاریکی جهل بسی فرا گرفته بود که لاین شعور مانند سبع ضار. بجان یکدیگر افتاده اموال و نفوس یکدیگر را در معرض اتلاف و اعدام در آوردند. چه اشخاص محترم که از دست جور و ستم اشراو این شهر در بدر هر بلد و دیار نگردید، چه صدقاتی که بر جن مردمان مهذب وارد نیامد. علماء و دانشمندان این شهر برخی غارت شده و پاره مسلوب الاحترام از شهری شهری رهسپار گردیدند لیکن بعد از خرابیها و بی ناموسیهای مدهشانه چیزی که مایه تسلی و موجب تلافی است همانا بروز معارف و افتتاح مدارس و اشتیاق اهالی به تربیت و تحصیل علم و مواد است. گویا ملتفت شده اند که همه آن بدبختها از شامت جهل و وخامت بی علمی وجود آنها را عارض گردیده بود.

در این میانه جمعی خردمندان با همت که مجاهدین حقیقی هستند در مقابل حملات و دسایس منسین بای مرداسکی فتنه مردم را بدوستی وطن و فواید مشروطیت و منافع معارف ترغیب و تخریب مینمودند. در اندک مدتی دو باب مدرسه یکی موسوم بشرافت به همت جناب آقا سید عبدالحسین نایب الصدر مفتوح گردید، و شر ذمه از آن دارالتربیه در نمره سوم جریده فریده درج بود، دیگری مدرسه موسوم هدایت به همت جناب آقا ملا محمد حسن واعظ که یکی از نخبه احرار و مبلغ صمیمی عدالتند

بجاستد و همدستی جماعتی از مشاهیر علماء و بزرگان شهر مانند جناب آقا سید علی محمد صدیقی و خواجه عیدالله کلانتر تأسیس یافت و پیشرفتی کامل دارد اگرچه مجلسی از مضرین بمقتضای ناپاکی نظرت در اتحاد این نور حدیقه انسایت حبله ما نمودند ولی بمهدالله فنون مکاری آمان بخرج زلفت و روز بروز میل و رغبت مردم در استحکام اساس آنها افزوده گردید چنانچه در روز یازدهم شهر حال که مجلس امتحان مدرسه هدایت تشکیل یافت، بود نگارنده هم بر حسب دعوت در آن محضر عالی حاضر بودم علماء و اجلاء شهر تماماً شرف حضور داشتند الحاق خدمت معلمین این مدرسه نسبت بخاروف بلانهایت شان تمجید و تحسین است. امفال این دبستان باوجود اینکه زان تحصیل ایشان اندک بوده در امتحان فارسی و عربی و مسائل شرعیه و حساب و جغرافی طلیق اللسان و فصیح البیان بودند که نگارنده از عهده توصیف آن بر نمی آید عموم اهل مجلس از زحمات جناب آقا ملا محمد حسن نمون - و از همراهی و معاضدت جناب اجل آقای دربی یکی حکمران سادر متشکر بودم زیرا که جناب معظم له بااساس این مدرسه معاوت فرموده بعضی کتب و لوازم برای مدرسه فرستاده و وعده همراهی های دیگر هم فرموده اند. این همه از آثار و علائم مشروطیت است، زنده باد سلطنت مشروطه و حامیان آن، نیست و نابود باد دولت مستبده بمحمد و آله الطاهیرین

حبل المتین

آری جناب دریابگی هر چند در بسط عدالت و انتظام و استحکام مبانی مشروطیت و ترتیب صحیح در مقرر حکومت و تعیین احساس عالم بیفرض در ادارات دولتی و خدمات لایته برای عمران و آبادی مملکت تکامل میورزد ولی در ترویج معارف و معاضدت و همراهی ما مدارس و تشویق نیز کوتاهی نمی نماید، اما چه فایده که نتایج سیئه اعمال فوق آتشی است که این جزئی حصه را میسوزاند و هباً مشهوراً می نماید بملاحظه عیب می چوسکه بگفتی هنرش نیز بکوی میتوان خدمات ایشانرا در براف معارف چشم پوشی نمود در مدت حکمرانی خود چنانچه اطلاع داریم همراهیهای شیایان نسبت

بمدرسه سادات بوشهر که خود مؤسس آن بود نموده بتلاوه بمدرسه اخوت کاظمین و مدرسه آزاد تنگه و مدرسه جاوید عباسی از بذل اطافه موقتی و استمراری نیز دریغ نکرده است

اجیافات روسیان

(تلگرافی است که امحسن ولایتی زحمان باحسن ایاتی)
 (تبریز نموده تاریخ ۲۸ جمادی الاول سنه ۱۳۲۸)
 داراب میرزا که یکی از صاحبمنصبان دولت روس در جزو قشون ساحلو در تزوین بوده در غره ماه وارد خاك خسه شده انرار را با این بیانات که بیاید دور هم جمع شده برویم شهر زحمان را تصرف کرده علم استبداد را مانند نموده و تمهیدت لازمه را در آنجا فراهم و محمد علی میرزا را از روسیه خواسته حمله بطهران نموده اساس مقدس مشروطه را هم زیم، و از طرف دولت روس هم اطمینان و تأمین میدهم قوه وعانه از شما ما شده، با این دسایس معدودی از انرار را جمع کرده مبالغی از دعات سرقت و عارت نموده تا یک فرسخی شهر آمدند، چون از نبودن استمداد امکان تعاقب نشد. شب هیجدهم پنج ار شب بشهر حمله کرده تا میدان دولتی آمدند، از اقدامات مجده و تدابیر صائبه آقا میرزا صالح حالت آصف الدوله حکمران دامت شوکت و پاره از اهالی شهر و مجاهدین بعد از زدو خورد دو از روز گذشته از شهر اخراج نموده بیه فرسخی شهر رفتند، هشت هر از طرفین مقتول گردید، همینکه راپورت مرکز داده شد اولیای امور از سیر روس مواخذة فرموده، در جواب اظهار کرده داراب میرزا خود سراف این اقدام را کرده شصت هر قزاق فرستاده شد دستگیر نموده بیاورد، بعد از دو روز قزاق وارد شده میبایست فقط داراب میرزا را گرفتار نماید، اشرار بکه جمع شده بودند آنها را هم در حمایت خود طرف قزوین حرکت دادند و درمیان راه هم انرار یکی دو (۱) هر را مقتول و مبالغی هم عارت کرده اند آخر فکری در ایباب لازم است تا این علنیت در مملکت اسلام فتنه برپا نمودن اسباب قتل موس و متک اعراض مسلمین شده و میگویید در ایران امنیت برقرار نشده، در عموم ملت هیجان فوق العاده محسوس و منصور است، دیگر زاده از این طاقب تحمل ندارند، امحسن ولایتی زحمان

◀ کرمان ▶

(مژده)

از همت با رفت جناب مستطاب . . . آقای
فصرة السلطان معاون ایالت کرمان و سی و کوشش
آقای غلام علی خان نماینده وزارت جلیله معارف
در کرمان عصر شنبه ۲۸ ج ۲ مطابق با ۱۵ سرطان
مدرسه پسرانه موسوم به (دبستان دانش) افتتاح
و در حین افتتاح باز بسی و کوشش آقای غلامعلی
خان ترتیب مدرسه دخترانه با کمال اهتمام در برده
داده شد . عموم اهالی بقدر وسع و کفایت
اعانه دادند و آقای مختار الملک خانه شخصی خود را
تقدیم این مدرسه محترمه نمودند . الحاق ما اهالی
کرمان تشکرات خود را تقدیم حضور مبارک آقای
معاون الایاله و آقای غلام علی خان میبایم و توفیق
آنانرا از خداوند میبخواهیم

علی رضا بن وکیل الدوله

نمره ۱ کلاس عالی مدرسه سعادت

وکیل زاده

◀ تردید ▶

در شماره (۴۵) اخبار جبلالتین صفحه (۲۲)
شرحی در باب خرابی کرمان و نظمی و اخراج
دو نفر علما نوشته شده، می نویسد انجمن ایالتی که
من خود یکی از وکلا هستم برکنار خبر داده این
مطلب اشتباه شده

مطلب این بوده که جناب آقا میرزا محمود مجتهد
که اخراج شده خود از وکلاء انجمن بوده هنگام
طبع حروف چپ اشتباه کرده نوشته من خود یکی
از وکلا هستم بهیچوجه این اخبار از وکلای انجمن
ایالتی نه بوده

حسرت عذیده از سیرجان و کرمان و جاهای
دیگر با اداره رسیده که محتاج بانیات است و ما از
وکلاهی محترم انجمن معذرت میبخواهیم که این اخبار
به یکی از وکلا بر می خورد ، بهیچنین از وسکلیل
اداره جبلالتین که در ایندت هرگز اخبار نگاری
نکرده معذرت میبخواهیم که سوءظن بایشان برده اند،
و نهایت امتد ان از معاون ایالت و رئیس نظمی
داریم که جنابان آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا
محمود را محترماً مجدد بشهر کرمان معاودت داده اند .

جلوگیری از مسکرات لازم است چرا که مانند
آن زیاد است، مردم را برخلاف شرع آزاد کردن
خوبی ندارد. ملاحظه دیانت حقه از فرایض و نظام
عالم بسته بدین است (مهتم جبلالتین)

◀ تقریظ و اعلان ▶

یکی از اعظم مواهبی که در این قرن چهاردهم
هجری نصیب ما شده شاید همان تسهیل تحصیل کتب
میباشد و این سخن نباید اغراق بنظر بیاید، زیرا
که حقیقتاً بقول یکی از دانشمندان بزرگ انگلستان
(کتب هادی جوانان و مسرت دهنده پیران است)
و گفتار یکی از حکماء قدیم نیز در اینموضوع خیلی
بجاست که فرموده (اطایقه از کتاب خالی است
مثل جدیدیت که از روح عاری است) - دیگری
گوید (کیکه کتاب را دوست میدارد هرگز
احتیاجی بدوست و مشاور ندارد) اگر آن همه
اشکالاتی که قدام در تحصیل کتب داشتند میفهمیدیم
پیشک قدر و قیمت آنرا بهتر دالت و رغبت خاطرمان
بمطالعه که معدل خیالات است بیشتر و بهره ما از
درخت معارف زیادتو بود. اما افسوس که مدتی مدید
از این موهبت هم مثل سایر مواهب چندان بهره مند
نکشته و حق از وجود آن چندان مسبوق نبودیم،
و گذشته، از آن غالب کتبی که جزوی از معارف
مارا تشکیل میدهد از آن صنفی است که یکی از
لاردهای انگلستان بطعن و شامت در حق شایسته
گفته (من وقت خود را بخواندن شان ضایع نمیکم)
و بطوری کتب نافه در معارف ما قلت دارد که
انصافاً اگر بخواهیم صد جلد کتاب مفید منتخب
کنیم کمال اشکال را خواهیم داشت، چیزیکه فی الجمله
مایه خوشنودیست اینست که در این اواخر جسته
جسته بعضی کتب مفیده بزبان فارسی طبع یافته و
قدری از ضعف معارف را کاسته است و حالاهم
مسرت داریم اشاعه یک از آث قلیل کتب را
بخواهیم علم و ادب اعلام داریم -

کتاب (احوال کرسنوفر کلبس) کاشف امریکا
که مشتمل بر مطالب سودمند میباشد بلهجه خیلی
خوبی از انگلیسی بفارسی ترجمه شده که میتواند
سر مشق مترجمین گردد، و محتوی بر قرب یکصد
صفحه سوای ۸ لوحه تصویر است که با کمال پاکیزگی
بمخروف سربی بر کاغذ نفیس اعلی چاپ شده و

تصاویرش نهایت ظرافت با آلت (فونوزینکو - تصویر عکس) مرئوس گشته و گذشته از آن روی جلدش يك لوحه قشنگی كه عكس خط مؤلف و مترجم است نصب گشته كه خیلی بر ظرافت آن مافزاید، و بجزئیّت میتوان گفت تا كنون كتر كتابی از حیث سلاست مطلب و نفیست طبع و ظرافت صورت و معنی بطبع رسیده، در واقع یکی از شاهکارهای صنعتی میباشد كه سزاوار است در خانه هر ایرانی موجود باشد، این نسخه فیه در اداره جبل‌المتین موجود و هر جلدی (يك روبه) فروش میرسد، قیمت پست دمه اداره است

تذکرات دار الشوری ملی به بوشهر

شب شنبه نهم و جب دوسه هر خدا نشان دشمن دین و دولت بمنزل حضرت حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله بهمانی رفته و بصرب گاوله آنحضرت را كه اولین پشت و بناء ملت بوده شهید ساخته اند، امروز مجلس شورای ملی بواسطه وقوع این مصیبت عطمی رسم عزای داری بعمل آورده تعطیل نموده مشغول اقدامات تعاقب و قصاص قاتلین می باشند البته ساكنان آن ولایت نیز بطوریکه شایسته است لوازم سوگواری و مراسم ترحیمات بعمل خواهند آورد (رئیس مجلس شورای ملی ذكاء الملك)

چون در بوشهر از حسن کفایت و درستکاری جناب درباری و اعمال شایسته سه نفر و کلاء انجمن ولایتی در بوشهر کرسی حکومت خلیج فارس كه دارای سیصد فرسنگ خاک و يك صد و پنجاه بندرو جزیره كوچك و بزرگ است نبود شد به سوگواری اعمال نماید لذا جناب منتظاب آقا سید عبدالله عالم بهمانی كه قرابت تام بحضرت حجة الاسلام شهید داشت مجالس ترحیم و عزاداری برپا داشته قاطبه اهالی تا دو روز عزای دار و قاتلین آنحضرت را كه از زمره مستبدین و وا داشته مطرودین می دانستند زشت میگذشتند،

عرضداشت اهالی نیشابور

(فسانا همه خواب آورد فسانه ما)
(زدیده خواب رو باید فسانه عجبی است)

باندراج این ناله جان سوز و دادخواهی عاجزانه نیازمندان امیدوار هستیم از آنجاییكه امروز در

حقیقت نامه مقدس مایه آگاهی و برای ملت بكسوع ملجاء و بناء مظلومین است لازم دانستیم شرحی از واجبات جگر خراش این بلده را عرضه داریم كه دو جریده مقدس درج فرموده شاید نظر بانشار نامه مقدس متمدنین عوالم انسانیت و صدر نشینان مجلس شورای ملی معارف بیان عدل و انصاف قاطعات شجره ظلم و استبداد حفظان انتام الهی ملاحظه فرموده نظر بر ضعف حال فقرا دست ظلم و استبداد را از سر ضمه کوتاه فرمایند

بچاره اهالی نیشابور كان میگردند كه در سلطنت مشروطه از شكنجة ظلم و استبدادی كه سالیان دراز است گرفتار هستند خلاص خواهند شد. متأسفانه از تعديت بعضی از ادارات جدید ظلمهای سابق را فراموش کرده واقفاً صد رحمتی با استبداد قدیم، حالا کاری میکنند كه كفن دزد قدیم را رحمت مباحثم باری هرگاه مقصود از این همه مباحث و ریخته شدن خونها نظام بای تخت است كه در طهران همیشه ظلم كتر می شد، اگر مقصود آسودگی تمام رعیت است و ترقی کلیه امور لشكري و حكشوری پس اول شرط رسیدن باین مقصود مقدس این است كه امنای دولت و ملت دست ظلم حارین را از سر فقراء کوتاه فرمایند

شهادت بطوری مأمورین نیرالدوله خون این يك مشت رعیت بی بصاعترا میگذراند كه دیگر حانی باقی نمانده و مستحق ترحم و اعانه اند، در این مدت قلیل خودشان دارای الوف شده اند، قریب سی سال است كه نیرالدوله در این شهر حكومت دارد، پنج سال آن از طرف ایالت خراسان و بیست و پنج سال كه این شهر را از ایالت مجزا کرده حكومت این شهر را بعنوان نائب سر سفره نیول خود کرده است

تروت و املاکی را كه در این مدت مهمانسته غالب آنها مال اهالی بچاره این شهر است كه الساعه صاحبان آنها حاضرند و اسناد صحیح در دست دارند، مثلاً از آن جمله شهر كهنه كه امروز معروف به (همت آباد است) شصت هزار تومان قیمت دارد، چهار سهم آن متعلق بناج الدوله اخوی جناب حاجی تاج الواعظین است كه در این اوقات جناب ایشان دو طهران مشغول همین مذاكره هستند، همچنین

رعایای گرماب، دیگر آب چهارطائی دارای چهارزوج آب است و بجای هزار تومان قیمت دارد، اولاً از آب چندین باغ و آسیاب و غیره در حندق شهر بنا کرده است که سالیانه مبالغی نفع آب را برمیدارد، چهار سهم از این آب مال طایفه (بیات است) که سندات صحیحه در دست دارند و ماضی این آب هم ملکی خود طایفه بیات بود و هكذا املاک شریتمدار سبزواری که تقریباً ۲۴ سهم است در تحت تصرف خود برآورده از این قبیل زیاد است (گر از هر بانی فصلی بگوئی داستان گردد) اسنادی که قرا از املاک منصوبه در دست دارند قوه اینکه بطهران بروند ندارند، در مشهد هم که بذریقه نیست، زیرا این بلد از ایالت خراسان مجزی است، همین ترتیب امروز در این شهر دارای دو کروم تومان املاک و سالیانه از این املاک بالغ بر صد هزار تومان مایدی دارد، اگر بناون عشریه باشد باید بیش از ده هزار تومان مالیات بدهد، کلیه ار این مبلغ مالیات که باید بدهد اسماً هزار و هفتصد تومان دولت میدهد، ولی رسماً دیناری هم ماید دولت نمیشود بلکه دست هم میگیرد، زیرا که این هزار و هفتصد تومان را هم باسم مواجب و مستمیری در حق خود و فامیلش برقرار کرده است

اعلب اراضی که متعلق برود خانه جات خالصه بوده درین مدت که خالصه در تصرف ایشان بود در آن اراضی ابیده ساخته، و اسمی از برای آب مین کرده از قبیل (جوب داسی) [قره قول] | بیرآباد | و غیره که تمام این اراضی مال خالصه بوده است و الا آن رودخانههای آنها بی زمین مانده مثلاً رودخانه (فرسارود) که مبالغی آب دارد و رمیزی آب را بیرالدوله تصرف کرده سالیانه مبالغی ضرر دولت و ملت است

زمانی که خودش در این شهر حکومت داشت انواع ظلم را بر مردم میسکرد، اگر فریاد مظلومین طهران میرسید در آنجا حاجب الدوله و حاجی کاظم ملک رفع میکردند، و حالا که خودش در طهران است نایب الحکومه از طرف خودش معین کرده، هر طلبی که مأمورین او مینمایند در آنجا خودش رفع مینماید، چندین مرتبه هینق از اهل این بلدش ماه و هشت ماه در مشهد توقف کرده اند و ثالثاً،

ایشان بجائی نرسیده است، کثون هم که نظرات در مشهد بذریقه نیست در طهران هم که خودش رفع مینماید

اگر اولیاء امور باین قطعه خاك از وطن مقدس بزودی عطف نظر فرمایند تمام از دست رفته و با مال خواهند گردید

در این مدت از برای تحصیل ثروت و حفظ نفوذ خود از اتلاف نفوس هیچ گونه خود داری نکرده از آب جبه سید امام زاده و حاجی احمد نیشابوری و سه نفر از میانشین رئیس التجار خراسان و جمعی دیگر از رعایا در زیر چوب و جناق و گاوله اجزای خودش این ودایع آری و فدای خود خود کرده، هر وقت تصدیقات آنها بی اندازه شد و مردم بیجان آمده و فریاد و فاسا بلند نموده اند محض تشنی قلوب اندک تغییر و تبدیلی داده است، مثلاً بر خود را معزول ساخته و داماد خودش را که صد درجه بدتر از اوست منصوب کرده است

يك دو قره هم از تصدیقات مأمورین ایشان عرض نایم - در دو سال قبل نه هزار تومان بول مال بانک انگلیس که رشته آن در این شهر بود در روز روشن بتوسط مکاری حمل بشده میشود، يك فرسخ از حاك نیشابور بآن طرف یکمرتبه بول باسما میرود، در صورتی که قراسوران نیشابور همراه بوده، باید قراسوران این شهر قبض رسید از قراسوران خاك مشهد داشته باشد، اگر دارد که بسیار خوب و الا مافلان دانند که بول چه شده است

و دیگر فاجعه غیر منتظره نازه بود که چگونه اسباب قتل نفوس و افتضاح و ضرر ملی بچاره اهالی این شهر گردید، و تفصیل آن بقراوی است که عرض میشود، اولاً از روزی که نظمی این شهر از مشهد معین شده بسنگان بیرالدوله بناون محتلنه در سد بر آمده که رشته نظمی مشهد را قطع کرده و نظمی از طهران بجهت این شهر معین نماید، منتظر وقت و بیسازه جونی بودند تا اینکه در یکجا و نیم قبل امین التجار مدبر سنگ فرشهای شهر از آقا رضا خواجه مطالبه بول سنگ فرش را مینماید، آقا رضا علاوه بر اینکه بول نمیدهد امین التجار را پس از نفس زیاد کتک مینزند، امین التجار به نظمی منتظم

وصل بایالت بشود. اشخاصی که این لایحه را امضا نموده‌ایم حاضریم که در عدلیه مشهد یا در طهران صدق مریض خودمان را ضمانت کرده و از عهده برآئیم. و الا اگر بهمین حال باقی بماند آن تیغ و شاخ حجابی که نیرالدوله و مأمورین ایشان باهالی نشان داده و هر متفسی را انواع عقوبات کرده تا نفس او را قطع کرده اند، اگر بعد ما هم صد برابر ظلم نمایند از وعب ایشان احدی جرئت نفس کشیدن نخواهد داشت

(امضاء متظلمین ۹۱ نفر)

تلگرافات روتر راجع به ایران

(۲۴ رجب - اول آگست)

§ مخبر (روتر) از طهران خبر میدهد که کابینه جدید مصمم گردیده است که مستشارهای خارجی را برای انتظام اداره نظمی و ترقی حکومت، مضافات و ازدیاد قشون صوبه جات و اصلاح اداره مالیه جاب فرماید

¶ بحسب تلگراف (روتر) علی محمد خان که از اجله ملتبان بوده با یک نفر دیگر را بتل رسانیده اند، و مظنون است که این واقعه در قصاص قتل آقا سید عبدالله مجتهد بهبهانی واقع شده است

(۲۵ رجب - ۲ آگست)

¶ تلگراف (روتر) ظاهر میدارد که مجلس شورای ملی به کابینه جدید حکم صریح داده است که فدائیان را عاری السلاح سازند - همراهان باقر خان وستارخان نیز در این حکم شامل اند

¶ از طهران روتر خبر میدهد که بیان نامه امروز اشاعت یافته بصحه روساء و سرداران ملتبان که منجبه سپه دار اعظم و سردار اسعد وستار خان بوده، عهد و پیمان شده که اختلافات سابقه را فراموش و خیالات مخصی را کنار گذارد. جداً در استقلال ایران و ابقای سلطنت مشروطه بکوشند

حبل المتین

از بس قوالی بدون فصاحت از وزرای خود دیده‌ایم جرئت نمی‌کنیم که باین لفاظیا اظهار مسرت نموده خیالات کابینه جدید را تمجید کنیم - تا ما نیز مانند سابقین به اغالی خود و خوانندگان خویش را مسرور نداشته و مزید بر علت این مرض دیرینه نشده باشیم، ولی همین قدر میگوئیم که بالا

شده آقا رضا را به نظمی جلب مینمایند، پس از استتقاق که صورت آن در نظمی ضبط است و آن استتقاق دیده شده است، نظمی می‌رسد (امین‌التجار منظم است که شا او را غنم داده و زده اید) جواب میدهد (بی من زده ام باز هم میزم پدرش را بیرون می‌آورم) آقا رضا بحکم عدلیه محکوم بشلاق میشود، این مسئله به مأمورین نیرالدوله گران آمده مخصوصاً به سرکار شمس‌السلطنه خلی برمیخورد از آن روز که قتل نظمی را می‌بینند تا کردند آنچه را که در جراید و تلگرافات ملاحظه فرموده‌اید جماعتی از اشخاص بی سروبا را که تحریک کرده بودند، پس از بردن اسباب های نظمی تمام در و بجره نظمی را درهم شکسته، پس از آنکه کار از کار گذشت رجاله دندان بخون آورده شد دیگر خودشان هم که تحریک کرده بودند نتوانستند جلوگیری نمایند، تا اینکه رجاله عدلیه را هم جایده و بروز نظمی انداخته، و الا آن زنهایرا که در اندرون حکومتی بوده اند بول و دستور العمل بآنها داده موجودند، مثل اینکه پس از خوابیدن خانه بعضی از زنها که سرده شده بودند نظمی گرفتار کرده پس از استتقاق مرکز تحریک معلوم میشود همان ای امناء دولت و وکلاء ملت خدا را نظری باین مظلومین فرموده و مارا از تحت فشار ظلم بیرون آورید، اگر رقم تیول نیشابور به نیرالدوله از عرش آمده است یا آنکه امروز این شهر را نمیتوانید از تصرف ایشان بیرون بیاورید که منافع آن باید بخود دولت بشود، پس خوب است که ترجیحاً مفتش امین سری باین شهر گسیل دارید که آت مفتش را مأمورین نیرالدوله نشانند، برشود دهان او را قفل نمایند، پس از تعیین اگر صدق مریض ما معلوم شد که اقلاً این مأمورین حالیه را تغییر بدهند که دیگر خون در بدن ما باقی نگذارند در این مدت بقدری تحصیل ثروت کرده که اگر سالبان دراز خود نیرالدوله و اتباعتش بخورند تمام شدن نیست و الا اگر سلطنت مشروطه است و نیولات برگشته پس خوب است که مقرر فرموده از کرسی ایالت از جبهه این شهر حکومت مشروطه خواه معین فرمایند

اگر این شهر از حاله نخبه بیرون آمده و

ترین اسباب پیشرفت این کابینه همانا جلب مستشارهای خارجی برای ادارات و وزارتخانه هاست - یادداریم که در پروگرام کابینه حضرت سپهبد اعظم که بدو بمجلس مقدس مسلک خودشان را معرفی نمودند یکی از مواد آن جلب مستشارهای خارجی بود و چنان گمان می یابیم که هرگاه کابینه سپهبد اعظم موفق باحرای همین يك ماده شده بود پیش از آنچه بتصور آید پیشرفت در امور دولت و ملت و امنیت مملکت حاصل فرموده بودند، حالا هم امید میکنیم که کابینه حضرت مستوی المالك موفق به اجرای این مقصود مفید شده گوی یکناسی را برآیند. و بداند هرگاه تامل در جلب مستشارهای خارجی بشود به تنها استقلال مملکت از اعتشاش و عدم امنیت بر باد خواهد شد بلکه این کابینه نیز دوره خود را به یکناسی خاتمه بخواند داد

ایکه مخبر (روتز) طی خود را در ماده قتل علی محمد خان و رفیقش قصاب حضرت حجة الاسلام بهبهانی ظاهر داشته یکی از شاه کارهایی بلنبکی همسایگان ماست، چه حضرت حجة الاسلام بهبهانی نوردیده ملتبان و پشت و بناه مشروطه خواهان بودند و قتل ایشانرا واقان رموز از طرف مستبدین و مطرودین دور و موسک دوانی روسیان می نیاوند، چه عداوت محمد علی و طرفداران او با این سید بزرگوار که مؤسس مشروطیت بوده با اندازه بود که قابل الانکار نیست، و روسیان بخمال ایسکه شاید از قتل سید اتلای در صهران پیدا شده بهانه در ورود قشون خویش پیدا نمایند اشارات سری در این موضوع نموده اند همان اعلان دولت در تکذیب این ابواء باصرار. غیر روس بیشتر ثابت میکنند که محرك این قتل خارجیات بوده اند و هرگز تصور نمی شود علی محمد خان که بمعرفی (روتز) از اجبه ملتبان بود و بس آن مرحوم دوچار قتل شده باشد، بلکه ما بد گفت که هم سید و هم این دو نفر را همان مستبدین که مرتکب هزاران از این قبیل قتلها شده بوده به اشاره خارجیان شده اند، ولی دیپلماتهای همسایگان محض ایسکه بی گم کنند و نفرت ناو افغان دور و نزدیک را از ملتبان تواید نمایند و مزید اختلاف در ایران شوند چنین اشاعت داده اند

ولی با يك عالم تمجید و کلاهی مجلس مقدس و ار حکم سلب سلاح از فدائیان و مجاهدین تبریک میگوئیم و امیدواریم کابینه جدید نیز در اجرای این حکم متین تامل فرماید، حق اینست که فدائیان

دروغین و مجاهدین مشروطه نما در این دو سه ساله اقدامات خودشان را خیلی مایه شکوای عام و خاص از عموم بندایان و مجاهدین حقیقی قرار داده اند ولی هرگاه عموماً دارای سلاح نباشند هم فدائیان حقیقی از بد نامی قاوغ می شمرند و هم ملت را از دغدغه و وحشت وهسانی می بچشد، و ما چنان تصور میکنیم که سردار و سالار با آب عشقیکه باستقلال وطن خود دارد چون این حکم مجلس اسباب امنیت مملکت و رفع هسائه خارجیان میگردد بشخصه در اجرای آن خواهند کوشید و کابینه جدیدرا در حصول این مقصود تقویت خواهند داد. تا این خدمت نیز مزید و خدمات سابقه ایشان شده پیش از پیش ملت را رهبر امتنان خویش فرمایند تلگراف اخیر بالا ترین خوشبختی و سعادت اربابان را نشان میدهد چه واقان رموز میدانند اگر برخی اختلافات جزیه و اندکی خیالات شخصی در سرداران ملی که خدایشان توفیق خدمت بوطی بخشد تواید شده بود عدم امنیت ایران تا ایندرجه کسب اهمیت نکرده و خارجیان تا این پایه بر مرکب آرزو سوار نمی شدند، بیان نامه سرداران ملی ظاهر میدارد که ملتبان بوخامت عاقبت اختلاف بی برده دست اتحاد بیکدیگر داده اند، مبرهن است که از سرداران ملی جز اتحاد بی لوث ملت منتظر نبوده و نخواهد بود، هرگاه بحول و قوه خداوندی این بیان نامه لفاظی باشد و دسایس خارجه مجدداً نفاق در میان نیاندازد آن دست عیبی که ما هماره در شداوند ایران منتظر آن بوده و دیده ایم که در عجات ایزایات ظاهر شده درین شدت همانا همین اتحاد سرداران در استقلال وطن و ابقاء مشروطیت است چه همه میدانند که امروزه دشمنان مشروطیت از عدم اتحاد ملتبان تا چه اندازه فائده برگرفته و دسایس خارجیان تا چه پایه کارگر شده چه نزدیک است شیرازه مشروطیت که سهل است بنسای استقلال ایران هم منهدم گردد، مسلکی که امروزه سرداران ملی اتخاذ فرموده اند همان مسلکی است که ما در حین فتح طهران تلگرافاً از ایشان استرحام نموده بودیم، خوشوقتیم که قبل از بیرون رفتن سررشته از دست باین خیال عالی افتاده حیوانه ملت را نجهده فرمودند

این اتحاد سرداران ملی در پیشرفت مقاصد سیاسی این کابینه بزرگترین مؤید بشمار است - و عیده را در بند سنگ نگه میدارند

تلفکرات

(۲۰ رجب - ۲۸ جولائی)

§ (مسز لوئید جارج) اعلان تعطیل پارلمان انگلستان را تا ۱۵ نومبر نمود
 § (سرادوردگری) در جواب (مسز لونسدیل) اظهار داشت، هیچ نیست که تعرفه گمرک حایه ژاپون مانع از فرستادن ملبوها لبرای مال التجاره انگلیس در ژاپون شود

(۲۱ رجب - ۲۹ جولائی)

§ روز نامه (جویش کراییکل) می نویسد که حکومت ضرب (استریلیا) اراده دارد این زمین بسیار وسیعی را گرفته یک میلیون یهودیان روس را سکوت دهد

(۲۲ رجب - ۳۰ جولائی)

§ از اندازه محاصل مزارع فرانسه تصور می شود که خس حاصل مزارع از طوفان تلف شده است
 § اعلیحضرت پادشاه و ملکه انگلستان امروز ملاحظه شفا خانه (الیتاد) را خواهند نمود
 § بموجب تلفکراف (صوفیا) اهدا اسلحه از (بلغاریا) مورث و عیال اعلی (بلغار) شده مهاجرین مقدونیا بطرف بلغار رهسپار می شوند
 § وقایع نگار (طمس) از (صوفیا) می نویسد که حکومت (بلغار) نظر به وقوع این واقعه تهیه جنگ می نماید - و از مخبرات اگر پیشرفت مقصود نشود قشون هم فراهم خواهد آورد - فلا شش دسته از بلغاریان جهت ترعیب بلوا در (مقدونیا) وارد شده اند

(۲۳ رجب - ۳۱ جولائی)

§ وقایع نگار (ناشبلات) برلن از اسلامبول می نویسد که دولت عثمانی در ندادن خریدن جہازات جنگی زره پوش آلمانی (بران دن برک و فریدویک و طلم) است - دولت انگلیس بفروش هیچیک از جہازات جنگی خود رضا نداده - تعمیر این دو جہاز بیست سال قبل شده بود

§ سفیر (اسپانیا) مقیم دربار (بلج) را حکم به عودت شده (باب) بطریق یم رسمی نوشته که از عودت دادن سنیر چنین مفهوم می شود
 رئیس الوزراء (اسپانی) اراده جنگ دارد بنا بر این وی هم آماده مقابله است
 § (نی بی) با سفیر یونان مقیم اسلامبول اظهار داشت که آنچه در روز نامه (نین) اشاعت شده نامه فلان است

(۲۴ رجب - اول آگست)

§ مجلس اعیان انگلستان مسوده قانون نایب السلطنتی را بدون حصول آراء امضا نمود
 § و تحریک دولت امریکا در خصوص (لایبریا) روزنامهجات فرانسه نکته چینی می کنند
 § اعلیحضرت پادشاه و ملکه انگلستان دیروز در قصر (مالبرو) با حکمران و زوجه محترمه راجه (بروده) هند ملاقات نمودند

§ اعلیحضرت پادشاه و ملکه انگلستان با افسران کروزار ژاپونی (آئیگوما) بتوسط سنیر ژاپون مقیم لندن ملاقات نمودند

§ در مجلس اعیان انگلستان مسوده قانون تحلیف پادشاه بدون حصول آراء امضاء یافت - (لارڈ لسدون و ارجی شاپ کنتز بری) تمجید زیاد از قانون مذکور نمودند

§ ماسی در ترضیه عمدهات راه آهن (کناده) منید واقع شده است

§ بلوایان (دیبی یک) کارخانه کالسه سازی را آتش زده - ۳ کالسه بالمر سوخته است

(۲۶ رجب - ۳ آگست)

§ وقایع نگار (ضمس) از (تورن تو) خبر میدهد که در (رجب) آلمانیان فرزندان خود را در داخل نمودن به قشون بحری وعده کرده و بلخطاهم به حکومت تقدیم نموده اند (سرلاربر) در جواب خطابه اظهار داشت « یقین دارم که انگلستان و آلمان با یکدیگر هرگز نخواهند جنگید انگلستان دوست صادق آلمان است و ممکن نیست

بین این دو دولت هیچ نوع جنگی واقع شود

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که (طلعت بی) وزیر داخله برای گردش از مضافات عازم و ضمناً به (مقدونیا) هم خواهد رفت امید است سیاحت موسمی الیه منتج امنیت (مقدونیا) شود

§ فرقه (دروسس) در (هورن) واقع شام برای بلوا گذارده و بسیاری را بقتل رسانیده - جبهه اسداد بلوا قشون فرستاده شده است
 § اعلیحضرت جارج پادشاه انگلستان قوانین تحلیف و نیابت و مصارف سلطنتی دستخط فرمودند

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که (دروسس) (هورن) واقع شام بر سه ده که ساکنین آنها مسلمان و عیسائی بودند شبخون

زده و هزاران مرد و زن و طفل را مقتول و مجروح نموده اند

§ مخبر (روز) از (برلن) خبر میدهد که بطریق رسمی اعلان یافته که اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روس در موسم ربیع در آلمان خواهند آمد - امپراطریس در (نومیم) علاج امراض جگر خواهد نمود، و دو این ضمن امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور آلمان هم شاید ملاقات کند (۲۷ رجب - ۴ آگست)

§ حکومت (لیبریا) قرضه دولتی را مالمساواته از امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، خواهد گرفت مایدات گمرک ضامن استهلاك این قرضه خواهد بود § پادشاه و ملکه (اسپانیا) جهت ملاقات (برنس مری) (یاتبرگ) در جزیره (ویت) آمده اند § دولت عثمانی علاوه بر خرید يك فروند جهاز زره پوش چهار جهاز از قبیل جهاز (بردف برک) از دولت آلمان اراده خریداری دارد - معلوم می شود چونکه دولت یونان کروزاری تازه خریده از این رو دولت عثمانی نیز این تدارکات را لازم دیده است

(۲۸ رجب - ۵ آگست)

§ (طمس) می نویسد که تعداد مقتولین (دروس) به یک هزار رسیده است

§ (سر - جی - بوکان) بدستارت دولت (انگلیس) در (پترسبرگ) و (سر - پی - جت) سنیرانگلیس مقیم (میونخ) در (بلگرید) و (سر - وی - کوریت) سفیر انگلیس مقیم (وینی زولا) در (میونخ) مقرر گردید

▶ خلاصه ترجمه اخبارات خارجه

(راحه به ایران)

یک از جرائد انگلیسی مینویسد که دولت روس در سینه نفوذ خود که با انگلیسان معین کرده در هر نقطه دست های داخلی را بر انداختن انقلاب مهیا کرده فقط در اصفهان کسی نداشت که آنهم ستازگی از خوشبختی روسیان منقول ترین اهالی ایران ملکالتجار که خیلی صاحب اقتدار و نفوذ در شهر اصفهان بود دامن و کمر زده که هر وسیله باشد، قشون روس را در اصفهان برساند و در پیش رفت همین مقصود بدون هیچ جهت و سببی به بهانه اینکه از عدلیه طهران برای تصفیه يك مرافعه ملی حزب شده بود، بدون خیال در قونسل خانه

روس تحسن اختیار نموده روسیان هم همین اطینان در تلکرافات خود اشاعه دادند که میصد نفر از قشقائیان اصفهان را بدون جنگ و خونریزی قبضه نموده ولی بمجرد اشاعه این تلکراف سزارت خانه ایران در لندن تحقیقات لازمه نموده این خبر را تردید نمود و ظامر داشت که اصفهان و نواح آن در مرتبه درجه امنیت و آرامی است، ملکالتجار بخيال اینکه از طرف نظایه و عدلیه برای جلب او اقدامات جدی خواهد شد، او نیز تدارکات لازمه دیده بود که در این موقع زدو خوردی سخت پیش آمده بهانه بدست قونسل روس خواهد داد ولی بدبختانه بدین آرزو نائل نیامد و کسی محل باو نگذاشته کان لم یکنش بنداشتند، نتیجه ای که برای او حاصل شده همانا نفرت جمیع طبقات از وی و شامت و ملامت خودی و بیگانه است

مارنگ پست مینویسد که دولت ایران در جواب یاد داشت دولت روس و انگلیس اطینان داده است که مستزومات آلمان که برای استهلاك قروضشان معین شده نزد دیگران برهن نخواهند گذاشت، و نیز استفسار نموده بود که تصریح نمایند موادی که مدعی اند به بلتیک آلمانیان رسان است ولی سزارتین چنین خواهش نموده اند که هر امتیازی که بنا شود بدولت تالی داده شود بدو مشوره با آنان نمایند و در دو تین سلوک دولت ایران را در حق خودشان دوستانه تصور خواهند کرد

▶ جبل المئین

باده درد آلود مان مفتون کند، صاف اگر باشد ندانم چون کند حالا که همایگان ما دعوی دوستی مینمایند ظاهر است که از آنها چه میبخشیم، نمی دانم اگر سلوک ایران را دوستانه تصور نمایند چه خواهند کرد، ولی عقیده ما این است که بقای دوستی دولتین آنوقت خواهد بود که ما رضا بحقوق استقلال خود نداده این گونه خواہشات استقلال ویران کن را با فعالیت تمام رد کنیم، و در هر قدر اظهار فروتنی نموده جلب دوستی آنها را خواستگار شویم بر فشار خود شان افزوده تولید يك دشمنی عظیم بالطبع خواهد شد

کابینه جدید راست که بمقالات اولیه ما در این موضوع رجوع نموده رد این حمله استقلال ویران کن سفارتین را با فعالیت تمام بخانند و در جمیع ابواب ترقی بر روی ایران بسته خواهد شد

HABLUU WATHN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

چهار نامه مقدسه

(هند و برمه)

(۱۲ روپيه — ۷ روپيه)

(ايران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

المبتليک

(کليه امور اداره با)

(مدير کل مؤيد الاسلام است)

(هر دو شنبه طبع)

(و سه شنبه توزيع ميشود)

(حضرت باقر خان سالار)

(حضرت ستار خان سردار)

(دام احلالهما)



درم شکسته گان قوای استبداد ، باره کتنده گان سلاسل مرعوبیت ، نجات دهنده گان ایرانیان
از رقبت

خدمات این دو وجود با نمود (که خداوندان حزم و استقلال شان باید گفت) به حریت ایران
نه باندازه است که ما و اخلاف مان فراموش توانیم نمود ، حریت خواهان ایران واقعات یکساله استبداد
صغیر و فداکاری این دو وجود محترم را (که بعد از واقعات نادری در صفحات دو بیست سه تاریخ تاریخ
ایران ساخته بدین روشنی که ایرانیان بدان فخر توانند نمود بیادگار ندارد) چگونه فراموش توانند کرد ،
این دو وجود ثابت نمودند که هنوز شیرانی از نژاد اردشیر بابکان در پیشه ایران خفته اند که به مواقع
سختی در نجات ایران از هیچ گونه شدائد و فداکاری روگردانی ندارند ، هزاران درود بر مادر و بدری
که چنین فرزندان غیر فداکار را پروانید

اگرچه در واقعه جدید و نمود از حکم مجلس (هرگاه پلنگات خارجی محرك نبوده و تصدیق تلگرافات
روتر واکیم) ما حق بطرف مجلس داده و فعالیت حکومت تازه را نمجید می تا ایم ، ولی برای
یک اختلاف جزئی که هنوز کاملاً از کم و کیف آن خبری بحقیقت نداریم نمیتوان چشم از آنچه فداکاریهای
یکساله سردار و سالار که بلند کتنده نام ایران و سفید کتنده روی ایرانیان اند پوشانید ، کما اینکه
حکومت موجوده و مجلس مقدس شورای ملی هم چشم پوشی نفرموده ، و مصدق این تلگراف ذیل است
ایرانیان راست که در مقام قدردانی از سایر ملل مرفی سر مشق گرفته این دو وجود با نمود و
کارنامههای شگفت آمان را هماره توقیر نمایند که ایران تا دیرباز بستارخانها و باقرخانهای نوعی محتاج است
پس ایرانیان راست که از درون جان و بن دندان بگویند زنده باد ستارخان و باقرخان ، باینده باد

تلگرافات روتر راجع بایران

(۱۲ شعبان - ۱۸ آگست)

روتر از طهران خبر میدهد که سرجی بارکای سفیر انگلیس وارد طهران گردید

وزیر داخله از مجلس خواسته است که برای ستار خان (سردار ملی) چهار صد تومان و برای باقر خان (سالار ملی) سیصد تومان وظیفه طعانه مقرر گردد

(۱۳ شعبان - ۱۹ آگست)

روتر از طهران تلگرافاً اشاعت میدهد که چنان مستناد می شود که در خصوص برگرداندن قشون روس کانفرانس جاری و مشغول کارروائی است

حبل المتین

و حسب تلگراف مخصوص وزیر خارجه بمجلس در خصوص اخراج قشون روس چندی قبل اظهار داشته بود « بهمراهی دول متحابه ساعی در اخراج قشون روس میباشد » این دو تلگراف را که با هم تطبیق کنیم همچو مستفاد می شود که کابینه جدید هینکه مایوس از انصاف جوئی روسیان و حقوق دوستی و همجواری شده بناچار متمسک بمعااهدات و استمداد از سایر دول متحابه نیز گشته مشغول مذاکراتند ، گمان نمیرود پس ازین اقدام قانونی جای بهانه برای روس باقی ماند و تصور میشود که روسیان خیر خود را نداشته بمخیالات خام و لجابنت خشونت کارانه خود باقی ماند و تأمل در اخراج قشون خود نموده خویشان را دوجار مشکلات بیج در بیج سازند چه اگر روسیان درین موقع دست از لجابت برنداشته مراعات دوستی دیرینه و حقوق همسایگی را نه نمایند چنانچه ما مطلعیم از خارجه و داخله قسمی در فشار آیند که فشار منچوریا را فراموش کنند که اثراتش در داخله روس خصوصاً در ممالک اسلامیة روس بنوعی ساری گردید که انقلابات چند سال قبل را فراموش نمایند ، همه چیز ابتدا کوچک رفته رفته بزرگ میشود

کابینه جدید ایران تا کنون که اقداماتش مبنی بر فعالیت است ، ولی اقدامات عاقلانه عبارت از حسن نتیجه است ، نه نیکی بدایت ، انشاءالله حسن نتیجه را که کابینه از اقدامات خود ظلم داشت ما و تمام ملت بفعالیت این کابینه قائل شده کابینه آقای مستوی الممالک را اول کابینه فعال ایران خواهیم شمرد ، و بزرگترین نام نیک را وزرای مکنونی ما حاصل خواهند فرمود ،

باب الابواب بروز فعالیت این کابینه همین اقدامی است که نموده اند ، هرگاه عاجلاً از روی شرف (بشرط

اینکه زیر بار قبول بعضی از شروطیکه روسیان پیش خواهند کرد بروند) قشون بیگانه را از وطن خود خارج نمودند یقین بدانند که بکلیه مقاصد نائل آمدند و هرگاه خدای ناخواسته سربماً بدین مقصود نائل نیامدند در هیچ اقدامی مقصود المرام نتوانند شد ، و متجاوزین فرصت یافته این آوای وسکوت بحرانی را که طبعاً در تبدیل این کابینه پیش آمده تبدیل بانقلاب ساخته این موقع نیک را از دست ملت و دولت خواهند ربود

(تا که دستت میرسد کاری بکن)

ایران چگونه حفظ دوستی همسایگان

(را تواند کرد)

بهارک میگوید « هر دولت که بخواهد قادر بر حفظ حقوق دوستی همجواری خود باشد بدو باید مقتدر بر حفظ حقوق خویش گردد ، چرا ؟ طبیعت نبی البشر خواه شخصی یا نوعی مجبور ب تجاوز و زیادتیی نسبت به دیگران است و چیزیکه متجاوز را از تجاوزات غیر مشروع باز تواند داشت همانا خوف جلوگیری است که نتیجه تعادل قوت میباشد

این است که سیاستون کنونی متفق الکلمه اند که « هر قدر دول و ملل عالم در ازدیاد قوای جنگی خود سعی نموده و آلات حراقة دشمن حیات اولاد آدم زیاد شود بر قوت صلح عمومی و امنیت عالم تواند افزود ،

پس ایرانیان هرگاه دوستی همجواری خود را خواستگارند بدو باید در جلو تجاوزات غیر مشروع آنان ایستاده مایوسشان از اجحاف و زیادتیی نمایند و این امر منوط بدو اقدام است

اول - ایرانیان قبل از هر اقدامی باید جداً در ازدیاد قوای تدافعی خود بکوشند و این اقدام را مقدم بر جمیع اقدامات خویش قرار دهند و این خیال خام را از سر بدر کنند « تا وقتی قوای مایه مرتب ننمایند نباید دست بانتظام عسکری رژیم » چه تا وقتی که قوای عسکری ما مرتب نباشد ممکن نیست نتوانیم انتظامی در امور مایه خود بدهیم و یا اعتباری در خارج و داخل برای استقرار حاصل نمایم

امروز اولین وظیفه ایرانیان است که از کابینه جدید انتظام قوای عسکری را (ولو بچشم بوشی موقتی از سایر مواد اصلاحیه باشد) جداً خواسته و بتول تنها اکتفا نمایند

امروز باید سایر مصارفیکه دولت برای اصلاحات جدید مد نظر گرفته موقتاً چشم پوشی کرده حصه غالب دخل دولت را در راه انتظام عسکری صرف نماید و این هم باید بترتیب امروزه بر طبق قانون

اساسی با اصول منقح اجباری ملت باشد
 دوم - ترك نمودن مصادر امور مرعوبیت
 موروثه را از همجواران که مابۀ همگونه سیه بنحی
 ایرانیان از صد سال این طرف و سبب عمده تجاوز
 همسایگان همین مرعوبیت میشود بوده است
 تا وقتیکه مصادر امور ترك مرعوبیت نگویند
 و در حفظ حقوق وطنی عشق مقام وزارت را
 از سر دور نکنند محال است همسایگان که صد
 سال است طبیعت ثانوی در تجاوز بحق ایرانیان
 پیدا کرده ترك عادت گویند، و این مرعوبیت وقتی
 مصادر امور ما را ترك تواند گشت که وزارتخانه های
 ایران دارای مستشارهای عالم غیر مرعوب خارجی گردد
 هرگز ایرانیان طالب دوستی همسایگان باشند یعنی
 حفظ حقوق استقلالیه خویش را نخواهند بدون اینکه
 مراعات بلکه جدیت در انجام این دو امر نمایند هر
 راهی که بیایند پیورده و راه کعبه مقصود نه پیورده اند
 (استقلال کابینه جدید ایران بیست)
 بدون شبه آقای مستوی الممالک رئیس الوزراء و چند
 تن دیگر از اعضای این کابینه محل اطمینان و اعتماد
 ملت میباشد ولی باید دانست اعتمادیکه بدون سبب
 ثابت از حسن ظن تولید شود به اندک تغلل تبدیل
 بسوءظن نیز تواند شد، دلیل ثابت تر از تبدیل حسن
 ظنیکه بکابینه قبل بود بسوءظن ملت نمی توان قائم نمود
 کابینه حضرتین سپه دار اعظم و سردار اسعد
 (که از جان و مال بلکه همه چیز در راه ملت
 گذشتند) با اندازه محل اعتماد و اطمینان ملت بود
 که کابینه کنونی هر قدر کوشش بنماید آن مقام منبع
 را در قلوب عامه حاصل نتواند کرد، باید غور نمود که
 علت رفع اعتماد ملت از آن کابینه چه بود بقیده ما
 سه نکته تبدیل حسن ظن ملت را بسوء ظن داد
 اول انوامات پلنیکانه همسایگان در حق سردارین
 و عدم اعتنای آنان در رفع شبهات و تکذیب آنها
 این نکته خصوصاً در ملت غافل ایران با اندازه اهم
 است که نمیتوان بهیچ وجه صرف نظر از او کرد
 چه بمجردیکه تلگرافات یا اخبارات مسئله مضری را
 در حق اولین رجال ما اشاعه دادند و تردیدش هم
 نشد بالا صاله تولید سوء ظن در ملت شده و دشمنان
 داخل آنان نیز یکی را هزار جلوه داده در اثبات
 مدعای خود همگونه اقدامات میبایند، و ضمنیة این
 خارجی و داخلی فراهم میکنند که آن سوء ظن رفتارفته
 به یقین تبدیل میگردد، و حال آنکه هرگاه کابینه و
 نمایندگان ما در خارج ملتفت این نکته باریک شده
 جدیت در تکذیب اشاعات کاذبه بنمایند نه تولید سوء
 ظن در خارج و داخل میباید و نه اقدامات دشمنان

اراز قریبه داده آن سوء ظن را بسوء یقین تبدیل میکند
 دوم - عدم ملاحظه حضرتین سپه دار و سردار
 به نکته الاهم فالاهم بود، چه برای جلب اعتماد دائمی
 ملت میبایست با منتهای فوریت و کمال جدیت در
 اخراج قشون بیگانه به بردازند و آنان را موقع
 بهانه جوش واز دیاد مداخلت های مسلحه در داخله نهند
 بدبختانه نبودن کله های سیاسی در دستگاه و هجوم
 ادکار خام اطرافیان آن قوه نافذۀ اولیه را صرف
 جزئیات نموده تا وقتیکه بخیال این نکته اوقسانند
 آب از سرشان گذشته و قوه شان خامه پذیرفته بود
 چه قوت آنان ناشی از اعتماد و اطمینان ملت بود
 و رفته رفته در ملت تولید سوء ظن شده آن قوت
 قویه برای آنان مافی نماید، و بدبختانه با اندازه موقع
 به متجاوزین داده شد که از شرق تا غرب و از
 جنوب تا شمال ایران را بدخالت های مسلحه احاطه
 کرده و هر روز از نقطه صدائی بلند ساخته حواس
 وزراء را پریشان و بجران کابینه را دائمی ساختند
 سوم - سهو بزرگی بود که کابینه گذشته در
 بروی کار آوردن مستبدین (که بخیال خودشان
 پلنیک بود) نمود، همینکه مستبدین بروی کار آمده
 و هفت حکام دیرینه بمقر حکومت ها متمکن
 شدند برای برهم زدن اساس قویم مشروطیت بیشتر
 از پیشتر باحتلال کاریها و بهانه دادن بدست اجاب
 و مابوس ساختن ملت و از دیاد هرج و مرج
 کوشیدند، و شد آنچه نبایست بشود
 پس کابینه جدید راست که هرگاه بقای اعتماد
 ملت و از دیاد آنرا در حق خود خواهانت
 ملاحظه این نکات مروضه را نموده فعالیت بخرج داده
 به سهو هائیکه کابینه گذشته دوچار گردید مبتلانگردد
 ما ایک نظر دور بین و با یک فکر عاقبت
 ادبش می بینیم که اگر کابینه جدید در اخراج
 قشون بیگانه فعالیت بخرج نهد و موفق بسدگونه
 اصلاحات دیگر نشود خیلی زود اطمینان ملت و
 اعتماد و کلاه را از خود سلب خواهد نمود و چون
 آن نفوذ و قوت کابینه سپه داری در این کابینه نیست
 و آن خدمات بزرگ را که آن کابینه نموده این کابینه
 را میسر نخواهد آمد، با کمال بی ملاحظه گی ملت
 بهیجان و کلاه بسدا آمده این کابینه با عدم خوشنای
 و کار نمایان خامه خواهد پذیرفت
 اولین وظیفه این کابینه جلب اعتماد ملت و بقای آن
 نسبت به خود است، و جلب اعتماد ملت منحصر است در
 اینکه جداً استاده فعالیت بخرج داده سریماً قشون
 بیگانه را از ایران خارج نماید، و هرگاه از روی
 حقیقت انجام این امر را از عهده نباید خوب

است قبل از آنکه آب از سر ملت بگذرد و نفوذ خارجیان در داخله پیش گردد و نیک نامی کابینه تبدیل شود، ترک مرعوبیت گفته موافق را در مجلس علنی بکلاه تقدیم نموده تا ملت در حفظ حقوق استقلالیه خویش چنانچه وظیفه خود میدانند بکوشد

حکم اهمیت وزارت خارجه ایران

باتفاق دانایان ایرانی خواه، وزارت خارجه ایران امروزه اهمیت اش از سایر وزارت خانه های ما بیش است، چه سائر وزارتخانه های ما سروکار شان با ایرانیان است که با خودشان سر و نه یک کرباس اند، ولی وزارت خارجه ما طرف است با رجال بزرگ سیاسی دنیا در حقیقت بر سر فطی نشسته که بزرگترین سیاستون دنیا بر سر آت مشغول بازی سیاستند و هر کس در دائره آناث نشسته خواه بخواد باید مشغول شود و بر فرض هم او نخواهد شریک بازی شود حریفان شاطر بازی اش را برای او بیرون می آورند از اینرو ما باید در انتخاب وزارت خارجه و اعضای آن اداره پیش از سائر وزارتخانه ها بکوشیم و اگر بایک نظر انصاف بنگریم خواهیم دید که بواسطه عدم مذاقه و انتخاب وزیر کامل عبار وطنخواه نقصانیکه تنها از این وزارتخانه با ایران وارد آمده از جنبه وزارتخانه ها ندیده ایم و اگر برده از رویی کار بر داشته و نوشته جات وزارت خارجه را روی میز پارلمان بریزیم معلوم خواهد شد که قاتل استقلال ایران ما و زرای نادان خارجه بوده اند و هرگاه بدقت بنگریم جاسوسان سفارتخانه های بیگانه در این وزارتخانه پیش از سائر وزارتخانه های ما جایگزین اند و میکروب استقلال کس ایران از این وزارتخانه تولید میشود، واقنان رموز میدانند که ممکن است خطای یک وزیر خارجه استقلال یک مملکتی را صدمه عظیم زند خصوصاً مانند ایران که سفرای خارجه فعال ما برید هر گونه حایه از هر کس که بخوانند میبایند ولو دارای هر خیانت بلك و ملت باشد پس وکلای ملت وقایدین مملکت راست که دقت نظری در امور راجحه بوزارت خارجه پیش از سائر وزارتخانه ها داشته باشند خصوصاً در این موقع که وزارت خارجه ما بیشتر از سائر وزارتخانه ها محل تهاجم سیاسی چندین دولت واقع گردیده است از جواب سرادوردگری وزیر خارجه انگلیس

در پارلمان ظاهر میشود، که مخبرات سندی بین روس و انگلیس و دوات ایران در خصوص یاد داشت که به ایران فرستاده اند شده و نیز در ملده راه آهن هم مخبرات کرده اند و این دو مسئله به اندازه بزرگ و دقیق است که نمی توان سر بوش بروی او نهاده به اعتماد یک وزیر از او صرف نظر نمود وکلای محترم ما راست که در لس علی یاسری جداً مراسلاتی که در این مواد شده ملاحظه فرموده تا تکلیف آتیه خود را بدانند، مسئله یادداشت که بزرگترین حمله استقلال شکنانه دولتی بر ایران است و همین قسم اولویت ساختن راه آهن در ایران که بتازگی از فرمایشات (سرادوردگری) معلوم می شود خواهش نموده اند نه با اندازه بزرگ است که بتوان او را مهمل و معطل گذارد، بزرگترین حیلله که تا زگی بکار زده شده و گویا منت هم بر ما به نهند این است که مخبرات اخیره که در این دو موضوع با وزارت خارجه ایران شده قسمی است که جواب میبخواهد و شفاهاً هم ما حالی کرده اند که لازم بجواب نیست ولی واقنان رموز میدانند که لاجواب گذاردن این گونه مراسلات بالاصاله یک گونه اقبال سیاسی است مگر در صورتیکه ما با سر نیزه ثابت نایم که سکوت مان موجب رضای نبوده، پس وکلای ملت راست که در این نکته دقیق شده جوابات لازمه را بدون مرعوبیت بذریعه وزیر خارجه بفارترین تقدیم نمایند و ابدأ تصور نکنند که هرگاه ما جواب شافی بهمسایگان دهیم بر شدت خود خواهند افزود که اگر بدقت ملاحظه شود منها درجه فشار و شدت و عدم مراعات دوستی و همسایگی را در این موقع نازک در حق ایرانیان نموده اند و پیش از آنچه کردند بر حسب مقتضیات سیاسی امروزه نتوانستند نمود، (نه اینکه نه نموده اند) و هر قدر که ما تأخیر در جواب نایم و بتدریج همسایگان مان بیشتر ترت اثر بر مرعوبیت ما و تأخیر جوابشان نموده فائده حاصل خواهند کرد وزارت خارجه ما راست که این بالئس نرم را که تازه همسایگان بزیر سر ما میبخواهند بگذارند که جواب آن مراسلات رسمی شانرا ندیم از زیر سر استقلال مملکت بیرون آورده جداً بمجلس وزرا پیش کرده جواب شافی حقانی بدولتین داده شود که این سکوت یعنی ندادن جواب یک حق بزوی را در آتیه از ایرانیان سلب تواند کرد

لايه يكي از رموز دانان

عاقبت جهالت ملت و نداشتن آدم کار دانا کار را بر ایران و ایرانیان سخت نموده چنانچه دارد رموزه آن یش می آید، این جهالت با پیرایه هایکه دست های خارجی بآن می بندد با صورت زیبائی استقلال وطن را بتدریج مضمحل خواهد کرد، برای علاج آن درد اگر دیر نبود می گتیم وزراء با دانش وطن خواه استقلال دوست لازم است که با حایت خالصه و اتحاد ملت این بیچار بسزی را از چنگال طیبیان آدمی کش چاک دست همسایگار نجات دهند

با وجهه انصاف تا آن اندازه که مقدار دانش امروز ملت است حرکت و اقدام و هیجان وطنی ایرانیان را نمیتوان انکار نمود، ولی این هیجان با آن خصوصیات باطنی در مقابل اغراض مستبدین و هدایت مفرضانه همسایگان مسلم هر ذیحسی است که بی نتیجه خواهد ماند، چرا؟ بعلت آنکه برای بزرگ حادثی علاج درد آنوقت امکان خواهد داشت که تشخیص مرض را درست نموده و پس از تشخیص هم در عمل و بستاری اشتباه نکند، معلوم است اقدامات آن طیب صکه یکجا در تشخیص مرض خاطی و یکجا در بستاری عاجز است اگر مهلك و باعث موت مریض نشود مفید قایده و موجب بهبودی مسلماً نخواهد شد

برای دماغ سالم آنوقت یاس حاصل میشود که می فهمد مستشار طیبیان مریض وطن دشمنان نیکو چهر و خوشترنگند یکجا جسم نازنین وطن از تیر اغراض مستشاران خسته و قریب بانهدام است و یکجا آنانکه دامان مجاهدت در خلاص این بیچاره بکمر زده اند نقشه حرکتشان متینی بر همان طرح ناگوار خانه بر انداز همسایگان است، فاسد تر در این عقیده دیگر چیست که گهات کنیم دولتین همسایه بناییم حرکتشان بر خیر خواهی است بر این عقیده جهالت و سخافت خنده می کنند و با این همه هنوز از عقاید راسخه بکشت سران ملت و مدعیان حسن این است که انگلیس حامی ملت و روس همراه دولت است، اولی برای ملت جاث میدهد و نویمی برای دولت، و حال آنکه این دو پانگهستان از سه سال باین طرف دست یکاسی

بر نابودی استقلال ایران بالا زده اند، مثل آفتاب روشن و واضح است ترقی ایران برای این دو بزرگوار آتشی است که بتدریج هند و قفقاز را تواند سوزاند، مشروطیت ایران مبتلا از نفوذ همسایگان خواهد کاست و اگر قدری خط نظر را بیشتر امتداد، بدعیم خواهیم دید برای اینکه مشروطیت ایران عموماً بر استقلال آسیا و مشرق خواهد افزود و نفوذ اروپا و مغرب را تهدید خواهد کرد لذا شوکت و استحکام اساس ایران پسندیده همسایگان اروپائی نتواند شد، پس قصد اصلی همسایگان تحقیر و تخفیر شوکت و اهت ایران و برپادی استقلال ماست، اگر دولت همسایه جنوبی با آب لطف معانرت و مجاورت خود را جانشان و خیر خواه ملت جلوه میدهد نه برای حفظ نوامیس انسانیت و نوعیت است، با همین شیوه مدبرانه میخواند یکقوه صف شکن ملت را برای انجام مقاصد بوتائیکی خود رام و دست آموز خود نماید و کم کم براهنائی نمایندگان هوشیار خود ملت را بانهدام بنای استقلال بازدارد، چنانچه روزانه می بینیم در یکجا که التیام ما بین ملت و دولت نزدیک میشود با يك عجله نام این آثار التیام را فوری برهم زده و آب را گل و برای صید حاضر می نشیند

در هوشیاری این دو بزرگوار همین بس که آنقدر افکار ما را از آن مرحله دور نگاه داشته بودند که تا چندی قبل ذهن ما جنایت حرکات آنها را بخود نمی گرفت، همهجا دامان همسایه جنوبی را پاك و خیر خواهی و ترقی دوستی او را تصدیق می کردیم بهحایت او دلگرم، و برای نقشه انقلاب ملی گفتار نمایندگان او را میزان و طرح ایشان را زمینه بی عیب تصور مینمودیم، آن حریف خیلی ماهر است که با حرکات و گفتار خود را امین و خیر خواه جلوه دهد و بار و بند امانت کالای ملت را بزوی و چابکی برپاید، مثلاً پیاده کردن و برگرداندن دسته سپاهی در بوشهر با آن ملامت اگرچه بهانه در دست بود و باید بمنوف حرکات اهرمی شد چندین نتیجه را مرتب بود، یکی آنکه همسایه شمالی را اجازه داد که وارد کردن قشون به آذربایجان مصلحت پلتیک اتحادیه است و جلب کردن آب برای آن بود که خود را محرمانه نزد ملت دست

قول و رفیق شاهی را طرفدار دولت و نادرست قلم دهد، و حامی بودن خود ملت را باین صورت خوش نما بر افکار ناخفته ما ثابت نماید تا در مقاصد ملت در این زمان هیجان محرم راز و یکجا معلم و هادی شود

چنانچه عقیده سیاسیه ما این بود که خارج شدن انگلیس محض آن بود که عذر روس را از آذربایجان بخواهد و حال آنکه ورود روس باذربایجان و کم کم بخراسان و قزوین و و تمام بسوا بدید یکدیگر بوده و خواهد بود، یا ورود عثمانی را بنواحی آذربایجان از تحریکات وی میدانستند بدین لحاظ که برای عقیم داشتن اقدامات روس عثمانی را از حدود باین طرف دعوت نمود و حال آنکه این حرکت عثمانی مقاصد انگلیس را نخست و بویای روس را سپس خیلی عقب انداخت ولی ما در همان خواب جهالت کمان کرده ایم دست انگلیس در کار عثمانی است

ثابت شده است تظاهر نمایندگان جنوبی اولیاء مملکت را آنقدر خواب کرد که رفیق دیگر او روس بصورت اصاف تجاوزاتی بیرحمانه در خاک ایران نمود و نوع برستی و انسان دوستی خود را بهانه دست درازی خود ساخت و حال آنکه در صفحه سیاست لفظ دوستی و نوع برستی و انسانیت و رحم و مروت هیچوقت نوشته اند و نخواهند نوشت، و ما باطمینان آنکه انگلیس از تجاوزات او جلوگیری خواهد کرد و اگر بکند برای ما نفع خواهد داشت باز در رفع این بیرحمی از آنها استلاخ و شباه استشاره نموده و میبایم

بلتیک و سیاسی دانی در همین جاست که هاجها که مشمول دستبرد است منتشر و مستند قافله است، یقین دارم اگر مشاهده ما بین این دو بزرگوار با اتحاد و یگاسکی کامله مقصود بود هر آینه اندک تجاوزی که از یکی از دولتین نسبت بحاک ایران سر میزد فایده زد و خورد علی بود، ولی در این مورد که بیان آشتی و معاهده اخوت برای شراکت در تجاوزات بسته شده است همان شکل که می بینیم از تجاوزات یکدیگر تغییر حالت و مسلک در آنها دیده نمی شود، قدری تغیر حکم می کند که امروز این دو بزرگوار بدون اجازه یکدیگر آب نخواهند خورد و

در همین اتحاد و یگانگی برای جلب منافع مخصوصه شاید در ظاهر عرصانه اظهار دویت و مخالفت بنمایند و این از شیوه معموله سیاسیه است عموماً و از انگلیس خصوصاً که محض آنکه از پیشرفت مقاصد بلتیک دولتین بهتر کامیاب شود خود را باین طریق محرم ملت قرار داده در هیجان و انقلاب بترکستان هدایت می کند، ملت بیچاره نادان هم بحکم سادهگی و صداقت پیشنهادهای نمایندگان همسایه جنوبی را کار بسته، حق جهت ورود عثمانی در آذربایجان هم پروتست می کند و حال آنکه اگر نقشه صحیح امروز را منظور نظر داشته باشیم عثمانی که تحریک آلمان و آن طور بموقع در آذربایجان میخواست، حلو حرکات ظالمانه روس را مسدود نماید نباید سیاسیه کنونی پروتست نمایند، در اینجا در عقیده خود ناگفته دست هدایت همسایه در کار آب پروتست بوده است

آنها که با عقیده راسحه ملت را از عدم مداخله دولتین در خاک ایران اطمینان میدهند اگر نکوشیم میخوانند ملت را خواب کنند اقلان آن نسبت را ناگزیر با آنها باید بدیم که از حقایق اوضاع داخلی ایران و طریق ادخال خود همسایگان بی خبر و اطلاع بوده اند

در شماره ۱۱ تا ۱۳ سال دوم جهاد اکبر منطبعه اصفهان مکتوبی با مضامین غیر معلوم درج است که نقشه حرکت و خیال دولتین را در ایران خوب تشریح کرده است، و در شماره ۱۴ سال ۱۶ امه مقدس هم در مکتوب کبریج شرحی از مقاصد دولتین مسطور است با وجود آنکه دولتین خیلی در استتاریات و نقشه حرکات خود مجاهده و بزرگ بکار برده اند ولی چندی است که افکار دقیقه کشف مبانی نیت ایشان را نموده گاه گاهی در جرائد خوانده میشود

همه جا همسایه جنوبی نقد اراده سران ملت را تیره و تابع اراده خود نموده است دلیلش آنکه همسایه شاهی نقد اراده دولتین را روده و طوق بندگی در گردن آنها گذارده بود و این محال است که در حرکات و فرماتی که بدولت و ملت میدهند یکدیگر را قبل از وقت مطلع نکنند، برای اثبات این اتحاد باطنی دلایل در کار است که مطلب را دوست محسوس و جای تامل و تردید نه گذارد

چیزی که در معاهده دولتیین ما را بعضی توجیهات اطمینان
 میداد همان عدم مداخله و حفظ استقلال ایران بود
 که بارها مطرح ما اگر پارلمان انگلیس گردیده و بعضی
 از نمایندگان در این خصوص داد سخن میدادند و سادگی
 ما هم این محاورات پلنتیکی را قبول و آسوده و
 راحت بخیسار آنکه با کلام آسانی حفظ استقلال
 ایران تسجیل شده است (ولن یزول ابدا) صندوق
 اسرار و دفتر راز خود را در سنارت همسایه جنوبی
 باز نموده توقع نقشه صحیح برای حرکات ملی خود
 می نمود. دولت و دولتیان هم محکم بخردی و تحیب
 روسیان مرکز تائید خود را سنارت روس قرار
 داده راز های نهان را با او در میان نهادند با این
 حال ملت و دولت و آن زرنکی و تدبیر مأمورین
 دولتیین و مقصد واقعی ایشان همین قدر که قدری
 تکرر نایم کینیت بش آمد ایران واضح میشود
 در این سکنه هر که مخالف است با نکات صحیح
 بر او میتوان ثابت نمود که چگونه و از چه راه
 يك همسایه صندوق اسرار ملت و دیگری دفتر راز
 دولت را ربود و عنان این دو اسب عرابه استقلال
 را چگونه بدست اطاعت آورد

خیل افسوس بر نادانی ماست که چگونه امتناع
 مأمورین دولتیین را در مداخله در امور جزئی ما را
 خواب و بتدریج مطمئن نمود که آنچه میگویند
 صدق است و البته در ایران و امورات آن بهیچ
 وجه مداخله نخواهند فرمود ولی اگر در مقدار
 ظرفیت متغذین ایران و اندازه تدبیر مأمورین اجانب
 قدری دقت کنیم ملتفت خواهیم شد دخالت دیگران
 باندازه امر طبیعی است که . . . برای پروراندن این جمله
 نا پسند یکدو سطر تفصیل لازم است

اول چیزی که برای هدم استقلال و شخصیت و
 وجود هر انسان کافی است همان مرعوبیت است و
 این یعنی مرعوبیت راه تمام تجاوزات و تعدیات
 را باز و هر بی قانونی را که از طرف مقابل ظاهر
 میشود نادیده و مسکوت عنه میگذارد برای شکست
 دادن يك سپاه انبوه آنقدر که مرعوبیت و ترس
 موهومی کار می کند بجهت سر نیزه و چندین باتری
 توپ مسلسل کار نخواهد کرد ، برای اثبات این مدعا
 از غایت وضوح باقائه دلیل میشود بر تاخت همین
 قدر مزید تعریف را عرض میکنیم مرعوبیت مقدمه

مرگ و بجای سم مهلك و قاطع ریشه استقلال و
 مانع ظهور سادت و دافع بروز حس شری و
 جوهر ذاتی و جراح هدایت دشمن و بالاخره
 کشنده انسان و نابود کننده يك ملت شش هزار
 ساله است

همچنانکه علت مرعوب و نقص جهالت و
 نادانی است علت مرعوبیت هم بی شك و شبه
 جهالت ملت است . ایرانی برای آنکه می داند میترسد
 و اروپائی برای آنکه میداند میترسد بر آن دانای
 نترس مسلم است اضحلال این نادان ترسو خیلی
 آسان و این خود از بوامیس طبیعت محسوب
 میتواند شد ولی در موضوع ملت ایران غیر از
 مرعوبیت و جهالت ایرانیان و دانائی و جسارت
 بیگانگان خصوصیات دیگر در کار است که یکباره حس
 را مأیوس میکند و این خصوصیات از نتایج تدابیر
 مأمورین و خیانت عمدی و حال و قصد بعضی رفقا است .
 مثلا میشود توقع داشت سرداران ملی با وجود آب
 از سر گذشتن و واضح شدت فساد مأمورین
 باز هم دشمنان را مستشار و از شرهای تو خالی
 آنها حائف و فریضه مجامعت خود را مصلح ندارند
 این نیست مگر شدت مهارت همسایگان در جذب
 افکار عموم که ناز نصاب آنها را از روی کمال
 صداقت تصور میفرمائیم

همان است که ثابت هر عقلی است ، تمام عیوب
 و نواقص از جهالت است ، ندانستن میزان بواقفیت
 امروزه دولتیین و نشاخص موقع و معنی دخالت بولنتیکی
 تمام از نادانی عمومی است ، باید اصف داد يك
 وقت تجاوزات عثمانی مطرح مذاکره دارالشوری بود
 و با هر وسیله رفع این تجاوز تکلیف هر وزیر
 و هر وکیل و هر فرد از افراد ملت بود ، ولی
 نقشه بولنتیک امروز طوری است که تجاوزات عثمانی
 را در حالیه نباید بچشم دو سال قبل تصور کنیم
 و کورکورانه برتست نایم ، برتست امروز ضررش
 بیشتر از جلوگیری نکردن آن روز از عثمانی است
 امروز باید هر چیزی که اقدامات دولتیین را در
 ایران عقیم بنماید هر محو است تولید کنیم و نیز
 این چیز خیلی مشکل است شاید اندک خطا سر را
 بجای بن بگذارد و در این مورد که وجود دانایان
 سیاسی ایران دوست را کسلب می بینیم دلخوش

داشتن بامیدهای بیدیه خیلی متعسر است علاوه بر
نداشتن مدیر سیاسی آدم هم در ایران نیست گفتم
این جمله علاوه بر آنکه کاش باس نگارنده است
خواننده را هم سرد می کند ولی بجای معترضه
میگذاریم که باندام مطلب بر نخورد

قوام و دوام مشروطیت رندانه منوط بدوستی
و امانت متذین ملت است همان استیلاء اخلاق حسنه
در يك ملت که حاکی جنبش لطیفه انسانی است
میتواند اساس مشروطیت را بی تزلزل نگاه بدارد
رفع مانع طبیعی است (القدر لایبوم) ولی نگاهداری
مشروطیت که هیچ دخلی بمانع هم ندارد و جوهر
دانی و قابلیت اخلاقی میخواهد نمی گوئیم در ایرانی
حاله نیست عرض میکنیم ایکاش بتواند نگاهداری نماید
اگر اطراف این سکتة دقیق را ملاحظه کنیم
خواهیم فهمید ~~سکه~~ دست تجاوز و دخالت با هر
وسيله که باشد خیلی سخت است کوتاه کردنش ،
دولتین آنوقت که بفهمند آب چیزی که اساس
مشروطیت را نگاهداری میکند که باید تعبیرما باخلاق
یا علمش کرد در ایران هنوز ترقی نکرده ازموانی
که ملت جلو دخالت آنها بگذارد مثل هیجان عمومی
خلع و اعدام هیچ سنگینی بخاطر راه نمی دهد ،
زیرا میداند که موجبات نگاهداری و پایداری این اساس
جائی دیده نمی شود یکوقت این جمله را میتوان باشرح
وتفسیر عرض کنم حالا شاید عنوانش مقتضی اقدامات
امروزی نباشد

امروز بینه تجاوزات دولتین را در ایران حز
نفته های متین و اقدامات درست صحیح الاساس
ضمیف نخواهد ساخت و دندان طمع آنها را جز
دوستی و راستی متذین نتواند کند ، در تمام
اقدامات دوره مشروطیت آنچه همسایگان را ترساید
و نزدیک هیئت مشروطیت ایران چشم آنها را بخواب
بیاورد هاشم مقدمه بانک ملی بود که در ابتدای
مشروطیت باع سبز خوبی نمود و برای متانت این
اقدام همین بس که همسایگان درست مایه با انگلستان
مخفی انکار ملیه را بریشان و اشکالاتی پیش نهاد
نمودند که با هیئت بسیار منکری این اساس سعادت
ایران برنخواستند منهدم شده راست بگویم از همان
وقت خروس همجواری بر آواز افزود و مقدار
مردمی و اقدام ملت در نظر آنها معلوم و

مشروطیت ایران را بازی و بالاخره هوس دخالت
نموده کار را بانجا رسانیدند ، حالا باز مکرر شود
عیبی ندارد ، آنچه این همسایگان را متزلزل میتواند
داشت اقدامات صحیحه درست اساسی است که استحکام
آن آب چشم آنها را میگیرد ، همین قدر که فهمیدند
اساس این فکر ارکان متین و عنقریب این فکر
بنائی رفیع خواهد ساخت اول خوف و رعبی در
آنها احداث شده بعد برای حفظ مقامات بولتیکی
با وسایل معدده مخفیانه در نخریب آن مجذبه اقدام
خواهند نمود ، برای اثبات این قول میتوانم اقدامات
انگلیس را در هندوستان و اختلالی که در تاسیسات
اسلامیه و خطه هند عمده نهرستی بدم ، میزان اختلال
همان خوف برپا شدن رایت قانون حقوق بشریت
است بطور آزادی که در مملکت مستبده برای
سلطان و در مستعمرات انگلیس برای انگلیس و
در قفقاز برای روس مصر است ، مثل آنتاب واضح
است که دولتین یکی بواسطه هند و دیگری بواسطه
قفقاز در هر يك از نقاط مجاوره مرگه میکروب آزادی
پیدا شود جان می دهند و آن میکروب را میکشند
تا خلل بارکات مملکت وارد نشود ، مسلح است
انگلیس هندوستان را که کنج باداور ممالک آسیاست
تا آخرین قطرة استعداد از دست خوش افکار آزادی
خواهان حفظ خواهد نمود ، دولت روس هم قفقاز را
که متاع وصول بدریای گرم است با مرجان کندی
هست از نفوذ میکروب آزادی و حقوق شناسی
حفظ مینماید

ولی عقل دوربین میگوید بالاخره این دو
بزرگوار در اقدام باین امور کامیاب نخواهند شد
و هیئت بشر در مراحل آزادی حقوقی خواهد
یافت و هندوستان وقتی مستقل و قفقاز زمانی امارت
یا اگر ایران قدی علم نمود با زحمت خون آلود
جزو ایران خواهد شد ، باوجود این اصل محفوظ
تکلیف بولتیک دولتین جلوگیری و سد ابواب خلل
است در این دو مملکت و نمیشود تصور کرد که
دولتین در این زمینه غافل و مسامح خواهند بود
بس معلوم شد مشروطیت ایران و بروز ترقیبات
انکاری در این ملت بطور استقلال مناسب حال
بولتیک دولتین نیست این را باید قبول کرد و بسرعت
قبولانید ~~سکه~~ افراد ملت بدانند همسایگان مایل